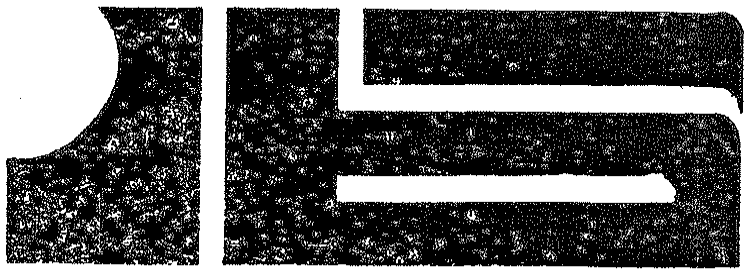


دانشجویان و دانش آموزان مبارز: مرتجعین می خواهند با سانسور مطبوعات مردم را در بی خبری نگه دارند. با تکثیر و پخش مقالات و اخبار "کار" مردم را از حقایقی که در میهمان می گذرد مطلع سازند.



کارگران و زحمتکشان متحد شوید

دوشنبه ۷ آبان ۱۳۵۸

سال اول - شماره ۳۴

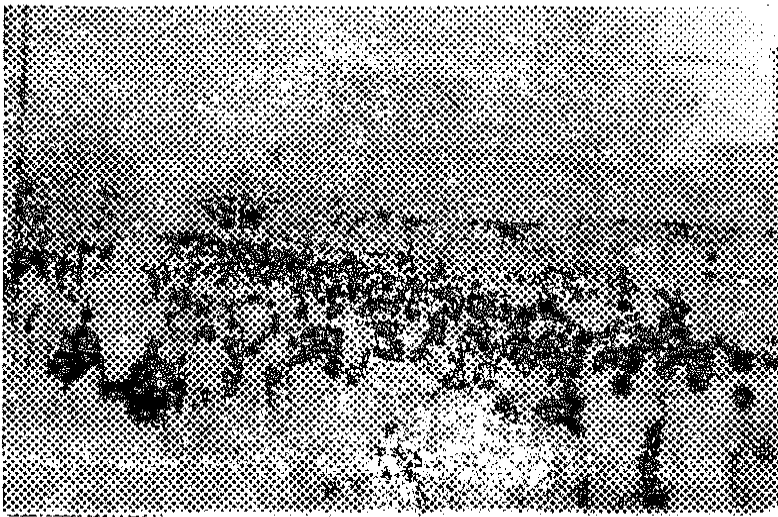
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۱۲ صفحه - قیمت ۲۰ ریال

## تظاهرات ۶ هزار نفری مردم سندج به مناسبت چهلمین روز شهادت ۹ رزمنده خلق که بدستور حاکم شرع اعدام شدند

این تظاهرات در بعد از ظهر همان روز به بیش از ۶ هزار نفر رسید و تظاهرکنندگان با شعارهایی " پاسداران اعزامی احرار باید گردند"، " ارتش ضد خلقی نابود باید گردد"، " استبداد، خونخواری در لباس دین داری"، " اتحاد مبارزه، پیروزی"، " زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، " خلخال دیوانه اعدام باید گردد"، " مرگ بر جاشهای مفتی زاده" خیابانهای شهر را بپیمودند.

تظاهرات و راهپیماییهایی که در طول سه روز ۱۳ و ۱۲ مهر مسأله مناسبت چهلمین روز شهادت ۹ نفر از رزمندگان خلق، توسط مردم سندج صورت گرفت در صبح روز ۱۴ به اوج خود رسید و بیش از ۶ هزار نفر تظاهرات و راهپیماییهایی



سندج - صحنه از تظاهرات بزرگ سندج به مناسبت چهلمین روز اعدام ۹ رزمنده خلق.

### ارتش شیوه های اسرائیلی را در سرکوب خلق کرده کار گرفته است

عوامل دست نشانده امپریالیسم نیز کارها را به دست می گیرند. چمران و مدنی که ماهیت ضد خلقی آنها دیگر بر کسی پوشیده نمانده و هر یک سالها را بر یکا تعلیم می

در این چند ماهی که ارتقا می گذرد، تغییرات و تحولاتی در ارتش بیش از همه ماهیت کتونی حاکمیت ارتجاعی را مشخص می کند فرماندهان سابق ارتش شاد بکی پس از دیگر به کار دعوت می شوند

### گوشه هایی از جنایات ارتش و پاسدوران در کردستان

حزب منحلده موکرات را پناه دهند، و با آنان به هر نحوی همکاری نمایند و با در مقابل اعمال آنان بی تفاوت باشند و یا خرابکاران و اشرار در حوالی آبادی آنان در جاده ها و گذرگاهها ایجاد راه بندان نموده و بیدار اعمال گروگان گیری دست

در تاریخ ۱۷ مهر ماه ۵۸ اعلامیه ای توسط لشکر ۴۶ و ۶۰ صادر گردید که بیانگر ماهیت ارتش و نیروهای است که در خلق مسکاکت می کنند. در این اعلامیه آمده است: " ارتش بددلیله اهالی آبادی های منطقه آذربایجان غربی اکید اعلام می دارد چنانکه افراد ضد انقلابی و اشرار و مزدوران

### سازمان ارتجاعی "امل" به سرکردگی چمران برای نابودی جنبش فلسطین توطئه میچیند

در صفحه ۸

#### توضیح درباره حساب بانکی سازمان

هموطنان مبارز! با توجه به نصیبتی که حاکمیت ارتجاعی فراهم کرده است از پرداخت وجوه مالی خود به حساب بانکی سازمان خودداری نمائید. ما چگونه در با نیت کمک های مالی شمارا بعد از اطلاع خواهیم رساند.

## مردم مبارز انزلی به پشتیبانی از مبارزات برحق صیادان: جنایت کردستان در انزلی تکرار شد

هفته گذشته شهر انزلی از خون سرخ صیادان مبارز و دیگر زحمتکشان رنگین شد. شهر یکپارچه به طغیان آمده بود و چشم فروخورده ستم دیده ترین مردم شمال سکوت دربار می شکست. بقیه در صفحه ۵

### سر مقاله اعتصابات کارگری روز بروز دامنه وسیع تری می یابد جنبش کارگری ایران رو به اعتلاست

بحران اقتصادی کتونی، که به صورت بیکاری، کمبایی کالاها و گرانی ( تورم) تداوم یافته است، طبقه کارگر، زحمتکشان شهری و روستائیان فقیر و میانه حال را زیر فشار خود گرفته و فشارهای ناشی از این بحران مبارزه کارگران و زحمتکشان را مشخصا گسترش داده است. همه شواهد حاکی از رشد جنبش طبقه کارگر ایران است. بررسی وضعیت و حد گسترش مبارزات خودیو بی کارگران از قیام تا امروز نشان می دهد که مبارزات دوران قیام در نخستین ماههای پس از آن به صورت گوناگون ادامه یافت. در آن ماهها تحصن های متعدد بیکاران، راهپیمایی های آنان که غالباً با درگیری با کمیته ها همراه بود و وقایع روزمره به شمار می رفت. از حدود خرداد ماه به بعد به علت به کار افتادن مجدد برخی واحدهای تولیدی و کاهش نسبی بیکاری، به تمرکز مبارزه کارگران برخی از موسسات تولیدی برای ترمیم ساعات کار ( در چند مورد ۴ ساعت کار در هفته)، ترمیم میزان و مبنای دستمزدها ( طی این مدت دستمزدها چندین واحد تولیدی

### بازگشایی دانشگاهها و مدارس و صف بندی جدید نیروها ( قسمت سوم) در صفحه ۲

### فدائیان خلق با خلق خویش عهد و پیمانی خونین بسته اند

خلقه های قهرمان ایران همواره شاهد آن بوده اند که چگونه ارتجاع بهترین فرزندان کرده و برای فریب خلق آسار

### چرا "کار" با تاخیر منتشر شد؟

کار شماره ۳۳ روز دوشنبه ۹ مهر منتشر شد و تا امروز که کار شماره ۳۴ منتشر می شود درست چهار هفته از آن می گذرد. تاخیر به این دلیل صورت گرفت که طی این مدت به دعوت مرکزیت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران برای ارزیابی جریان مبارزه ایدئولوژیک درون سازمان، تعیین برنامه تشکیلات در برابر آن و مهمترین همه تعیین کلی ترین مبانی سمت گیری مبارزه ایدئولوژیک و همچنین بررسی وظایف سازمان در برابر اوضاع کتونی اولین پلنوم وسیع سازمان فراخوانده شد. طبق برنامه پیش بینی شده از ۱۴ تا ۲۸ مهر ماه مسائلی که در دستور پلنوم بود به بحث گذاشته شد و پس از جمع بندی نظرات ارائه شده، مضمون مبارزه ایدئولوژیک درون سازمان و برنامه پیشبرد آن و سایر وظایف سازمان به تصویب رسید و بدین ترتیب پلنوم با موفقیت به کار خود پایان داد. به همین دلیل ما موفق به انتشار نشریه کار که با همکاری تمام ارگانهای سازمان صورت می گیرد، نشدیم. چرا که اکثر مسئولین سازمان در این نشست هاشرکت داشتند. با این امید که در آینده به انتشار منظم آن توفیق یابیم.

نمونه این تظاهرات در دیگر شهرهای کردستان، سقز، بانه و بوکان صورت گرفت.

کارگران فاسترویلر: "تها شورائی می تواند حقمان را از کار فرما بگیرد که اعضایش نمایندگان واقعی ما باشند" در صفحه ۱۰

رشوه خواری و توصیه پراکنی راه گنای دشواریها شده است! فساد، رشوه خواری، توصیه پراکنی و پارتی بازی که یکی از مشخصات بارز رژیم گذشته بود، پس بقیه در صفحه ۸

دانشجویان دانشکده افسری: "سرتیب شاگردا تحویل زندان دادیم سراز ریاست ارتش در آوری"

دانشجویان دانشکده افسری در بیانیه ای که اخیرا منتشر کرده اند برده از اقدامات ضد انقلابی در ارتش برداشته اند. در این بیانیه آمده است: با پیروزی قیام تاریخی ملت ایران، لزوم تصفیه انقلابی در ارگانهایی که پایه های رژیم جنایتکار شاه بر آن استوار بود از بقیه در صفحه ۶

# پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

### بازگشائی دانشگاهها و مدارس و صف بندی جدید نیروها

(نمت سوم)

نیروی متشکل دیگری که در دانشگاهها عمل می کند جریانهایی وابسته به "کنفرانس وحدت" است. یکی دو سال پیش بسیاری در این تصور بودند که برخی از این سازمانها و گروههایی توانند در پیشبرد جنبش کمونیستی ایران به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر، گامهای موثری بردارند. اما از آنجا که نیروهای شرکت کننده در کنفرانس حول محور قبول تزارجاعی و ضد کمونیستی سوسیال امپریالیسم متشکل شده و برای اساسیادیکر نیروها مرز بندی کردند و از آنجا که همراه باردمشی مسلحانه در اعماق اکونومیسم گرفتار آمدند، بارشده مبارزه ایدئولوژیک و ارتقاء دانش ایدئولوژیک در سطح جنبش کمونیستی ایران التقاط فکرها کم برکنفرانس وحدت لزوم برهم خواهد خورد. کنفرانس وحدت به همین شکل نمی تواند به حیات خود ادامه دهد. بنابراین پیش بینی ما در سطح جنبش توده های این نیروها با این مواضعی که دارند هرگز به نیروی توده های بدل نخواهند شد و در سطح دانشگاهها نیز در سال آینده بنابراین شواهدی که موجود است و تحلیلی که از حرکت و مواضع آنها و حرکت سایر نیروهای مارکسیست داریم نیرو از دست خواهند داد و در حدیک جریان روشنفکری محدود و دارای تناقض و تضاد آشکار در ساخت ایدئولوژیک خود تا مدتی همچنان مطرح خواهند بود. از سوی دیگر از آنجا که مبارزه بین دو دیدگاه ایدئولوژیک "وجه ارتجاعی" و "وجه پرولتری" در کنفرانس وحدت پایان نیافته است هنوز در مقابل خرده بورژوازی و حاکمیت ارتجاع موضع اپوزیسیون دارند. و در مبارزه علیه آنها متفقا شرکت می کنند. به همین دلیل ما ضمن پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک علیه این انحرافات که محور آن "سوسیال امپریالیسم" و "گرایش اکونومیستی" است، معتقدیم که فعلا در موارد خاصی در جنبش دموکراتیک این کنفرانس می تواند در "اتحاد نیرو" با سایر جریانهایی دموکراتیک شرکت داشته باشد. علاوه بر این دو جریان که شمردیم شماری گروههای کوچک "چپ" نیز وجود دارند که در جنبه دموکراتیک ملی ایران متشکل شده اند. از آنجا که این تشکلی فاقد هر نوع سازماندهی در سطح دانشگاههاست، خود به تنهایی در آنجا نیروی به حساب نخواهد آمد و چون اختناق سیاسی موجود مانع تحرک سیاسی آن است به نظر نمی رسد در آتی (تا زمانی که اوضاع جنبش باشد) در سطح جنبش هم فعالیتش چشمگیر باشد. اما به هر حال احتمالا در برخی حرکات می تواند با سایر جریانهایی سیاسی دموکراتیک و مترقی "اتحاد نیرو" کند. ماضی تاثیر این همکاری معتقدیم که این جنبه موظف است. همواره به پشتیبانی از سازمانهای مترقی و دموکراتیک نقش خود را در مبارزه دموکراتیک ایفا نماید. هر چند که حربه دموکراتیک تاکنون عمدتاً تریبون برای افشار توسط جامعه که دارای تمایلات دموکراتیک

هستند بوده است. با این همه این جریان نیروی نیست که بخواهد سیاستی داشته باشد که یک سیاست مستقلی "پیش سازد" بر عهده جنبه است که تنها از طریق پشتیبانی از سازمانهای پیشرو در زمینه مبارزات دموکراتیک در فرصت های مناسب لزوماً "اتحاد نیرو" با آنان در مبارزه دموکراتیک شرکت جوید. جز این سیاست هر روش دیگری که این جنبه پیش گیرد، چنانچه سوابق نشان می دهد پیش از آنکه به سود جنبش دموکراتیک

### اعتصابات کارگری... جنبش کارگری ایران روبه اعتلاست

بقیه از صفحه ۱

بزرگ و کوچک افزایش یافت (افت محسوس در دامنه حرکات اعتراضی خود به خودی طبقه کارگر پدید آمد که تا حدود شهریور ماه ادامه یافت. شوراها و کارگری در این دوران به در دست گرفتن کنترل و اداره بسیاری از کارخانه ها مبادرت کردند. از اوایل شهریور به بعد حرکات خود پوی کارگری مشخصاً دوباره روبه گسترش نهاده است. بخصوص در یک ماهه اخیر مبارزه کارگران با شعارهایی چون افزایش دستمزد، پرداخت سودویژه، اعتراض به اخراج نسبت به ماههای قبل دامنه وسیع تری به خود گرفته است. در مهم ترین مناطق کارگری، به ویژه در خوزستان و آذربایجان هر روز که می گذرد خیل بیشتری از کارگران به جنبش خود بخودی روی می آورند. اکنون این مبارزه در بسیاری موارد جنبه سیاسی به خود گرفته است. از آن جمله است مبارزه به خاطر تعیین و تثبیت یک سیستم عادلانه حداقل دستمزد ۴ ساعت کار در هفته، انحلال نیروی ویژه و غیره. علاوه بر این مبارزه کارگران برای "پاکسازی"، "شورا و نقش آن" که یادگار مبارزات دوران قیام است، بافت و خیزشهایی همچنان ادامه داشته و در برخی موارد حتی گسترش یافته است. اشکال تشکلی کارگران نیز سیر تکاملی به خود می گیرد. این اشکال ها اکنون در بسیاری موارد در قالب شوراها و در برخی موارد در قالب سندیکا صورت پذیرفته است. هسته های سرخ در محیط های کارگری به زمینه های مبارزاتی فعال تر و مساعدتری دست یافته اند. در کارخانه ها حمایت از کارگران پیشرو روبه گسترش است. قشریون مذهبی که تا چندین پیش در موسسات تولیدی تقریباً بی تاثیر بودند اکنون متدرجاً موقعیت خود را از دست می دهند. سطح آگاهی طبقه کارگر به طور محسوس روبه ارتقاء است. نفوذ آگاهی در حرکات خود بخودی طبقه کارگر باعث شده که کارگران روز به روز بیشتر و بهتر دشمنان طبقاتی خود را بشناسند. گرچه اکثریت کارگران هنوز تصویری کنند روحانیت و دولت "به علت مشکلاتی که دارند" فعلانی توانند خواستهای آنان را برآورده کنند، اگر چه اکثریت آنان هنوز امیدوارند که کارهای سیاسی صورت بگیرد. اما از قیام تا امروز مشخصاً بسیاری از این تصورات و امیدها و آرزوها درهم شکسته شده است.

اکنون دیگر بسیاری از کارگران خوب می دانند که نه دولت و نه روحانیت هیچ کدام نمی خواهند خواستهای اساسی طبقه کارگر را برآورده سازند. آنها دریافته اند که رژیم نه تنها فعلانی خواهد قدمی اساسی به زیان سرمایه داران بردارد، بلکه بنابه ماهیت خود هرگز جنبش قدیمی بر نخواهد داشت. این بخش از کارگران گرچه فعلاً اکثریت نیستند، اما از نظر کمی روز به روز در حال رشدند. آنها اکنون به روشنی دریافته اند که هر آنچه که طبقه کارگر به چنگ می آورد نه بر اساس ضدیت رژیم کنونی با نظام سرمایه داری، بلکه مستقیماً محصول اتحاد و مبارزه طبقه کارگر و سایر افشار خلق است. مبارزات خلق کرد و جنایات سپاه پاسداران و ارتش در آنجا باعث شده است توده مردم به ماهیت سرکوبگر رژیم کنونی و جنبه گیری آن علیه منافع افشار زحمتکش پی برند. وقایع انزلی و جرقه هائی که در سایر شهرها زده می شود نمونه های مشخصی است که نشان می دهد سپاه پاسداران در ذهن توده مردم نه تنها فرشته نجات نیست بلکه نیروی است با همان بیرحمی، منتهی صدمبار ناشیانه تر از سابق مردم را به گلوله می بندد و احکام اعدام انقلابیون را به اجرامی گذارد. علمبرغم تلاش دولت و اصرار روحانیت و توسل وی به شرعیات برای "ملی و اسلامی" جلوه دادن ارتش توده مردم هرگز اعتمادی به ارتش پیدا نکرده اند. بهره گیری از ندانه و موزرانه سران ارتش و

**کارگران دلیر و مبارز!**  
بسیاری از آنان که زیر رگبار مسلسل ها، خمپوره ها بمبارانها و آتش سوزیها در کردستان، زندگیشان را از دست می دهند، برادران دهقان شما هستند.  
دهقانان و زحمتکشان کرد قربانی سیاستهای مالکین و سرمایه داران شده اند. وظیفه شماست بعنوان زحمتکش ترین طبقه جامعه در برابر این کشتار مردم به اعتراض برخیزید.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
شماره ۱۰۵ - ۲۲ (۱۳۷۹/۱)

و در رأس آنها چمران برای پیش انداختن سپاه پاسداران و بهره گیری از جنایات آنان و محبوبیت تراشی برای همان نیروهای مسلح شاهنشاهی سابق یعنی ارتش ژاندارمری و شهریانی هم کار چندانی از پیش نبرده است. اکنون کمتر کسی است که بی به ماهیت ضد خلقی چمرانها، فلاحی ها، شاکرها، مدنی ها و امثالهم پی نبرده باشد. افشای سوابق این سرسپردگان نقش زیادی در توضیح ماهیت ضد مردمی ارتش داشته است.

وضع متزلزل مجلس خبرگان و تلقی مردم از آن که عمدتاً تصخر آمیز است و همچنین شکست مفتضحانه انتخابات شوراها نیز نشانه هائی از کاهش اعتماد مردم به حاکمیت روحانیت و دستگاه اداری، ارتش و سپاه پاسداران است. همه این شواهد نشان می دهد که آگاهی طبقه کارگر ایران از یک سو تحت تاثیر رشد مبارزات خود انگیخته خویش و از سوی دیگر تحت تاثیر فعالیت عنصر آگاه نسبت به ماههای گذشته بطور محسوس رشد یافته است.

(علمبرغم دوران قیام که جنبش خود پوی کارگری ایران عمدتاً حول شعار دموکراتیک "مرگ بر شاه" شکل گرفته بود، اکنون مبارزه خود بخودی کارگران عمدتاً حول خواستهای مشخص و ملموس اقتصادی خاص طبقه کارگر که گاه جنبه سیاسی به خود می گیرد، صورت می پذیرد. همه می دانیم که علمبرغم مبارزات دموکراتیک طبقه کارگر در این مبارزات مشخصاً تنهاست. این حقیقت نه گویای تشکیل صف مستقل طبقه کارگر است و نه چاکی از اینکه شکل گیری جنبش خود بخودی طبقه کارگر حول محور "خواستهای ملموس و مشخص طبقه کارگر" نسبت به شعار "مرگ بر شاه" لزوماً زمینه مینماید. مساعدتری را برای تشکیل صف مستقل طبقه کارگر و تلفیق آگاهی سوسیالیستی و دموکراتیک در جنبش خود بخودی طبقه کارگر فراهم می آورد.

تنهایی طبقه کارگر در مبارزات اقتصادی کنونی اثر این که مطابق شواهد موجود این مبارزات در مواردی جنبه سیاسی به خود می گیرد هرگز به معنای متمایز شدن و مستقل شدن صف طبقه کارگر از سایر افشار نیست. تشکیل صف مستقل طبقه کارگر مشخصاً محصول فعالیت تبلیغی ترویجی عنصر آگاه و تلفیق آگاهی سوسیالیستی و دموکراتیکی است که از بیرون به درون جنبش خود انگیخته طبقه کارگر برده می شود.)

جنبش کارگری ایران روبه اعتلاست. و این اعتلا توجه به تداوم بحران اقتصادی و سیاسی کنونی در ماههای آتی همچنان ادامه خواهد یافت. سطح آگاهی طبقه کارگر از قیام تا امروز به طور محسوس ارتقاء یافته است. تشکلی کارگران چه در زمینه صنفی و چه در اشکال سیاسی آن سیر تکاملی می یابد. در چنین شرایطی هر چه بیشتر بد حتمیت اعتلای جنبش کارگری پی می بریم وقتی به رشد مجدد مبارزه در میان دهقانان و زحمتکشان شهری فکری کنیم، وقتی به اوج گیری شتابان مبارزه در میان خلقها توجه می کنیم، بیشتر و بهتر عقب ماندگی مغرب عامل ذهنی انقلاب و فقر جنبش کمونیستی ایران را چه از نظر میزان تجهیز به تئوری انقلابی و چه از نظر سازمان یافتگی دریکی می کنیم. در ایران امروز هم همچون روسیه ۱۸۹۷ برای تشکیل حزب طبقه کارگر "هنوز یک دنیا کار و جادو دارد"

«اعتلاء خود بخودی توده ها در روسیه با چنان سرعتی به وقوع پیوست (و کماکان به وقوع می پیوندد) که جوانان سوسیال دموکرات برای انجام این وظایف عظیم غیراً مآده ماندند. این عدم آمادگی - برای همه ما - برای همه سوسیال دموکراتهای روس مصیبتی است. اعتلاء توده ها متصل و پی در پی جریان و توسعه می یافت و نه فقط در آنجائی که آغاز شد متوقف نمی گردید بلکه مناطق تازه و قشرهای تازه ای از اهالی را هم فرا می گرفت (تحت تاثیر نهضت کارگری جنب و جوش جوانان محصل و بطور کلی روشنفکران و حتی دهقانان نیز شدت یافت) ولی انقلابیون - خواه در "تئوری های" خود و خواه در فعالیت خود از این غلبه عقب می ماندند، و موفق نمی شدند سازمان بدون وقفه و ادامه گاری به وجود آورند که قادر باشد تمام نهضت را رهبری نماید.»

(لنین - چه باید کرد)

# کار مسکن آزادی

# هفتمین گرد همایی ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا می خواهند تضاد طبقاتی را به صورت اختلاف بین فارس و ترکمن در آورند

روستائیان می گویند: تا مسئله ارضی به نفع روستائیان محروم و زحمتکش حل نشود، مبارزه ادامه دارد...



بدعت ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا هفتمین گرد همایی نمایندگان شوراهای روستایی ترکمن صحرا از روستاهای مختلف در ساعت ده صبح جمعه ششم مهرماه در گنبد برگزار شد. در این گرد همایی نمایندگان ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا در باره شوراهای و حفظ و تحکیم آن، برنامه ارضی و خود مختاری برای خلقها سخنانی ایراد کردند. یکی از نمایندگان ستاد مرکزی شوراهای

"ما توانستیم با تشکیل شوراهای واقعی همبستگی و یکپارچگی خود را نشان دهیم و گوشه های ناشنوا را مجبور به شنیدن صدای حق طلبانه خود نماییم. غاصبین و مرتجعین سعی می کردند بارها انداختن تبلیغات بر ضد خلق ترکمن آتش زدن سازمانهای زراعی و بیرون کردن زابلی ها علیه ما توطئه چینی کنند ولی توطئه آنان با هوشمندی و جدیت شوراهای اثر شد و سلاح آنها از کار افتاد. آنها می خواهند تضاد طبقاتی را که بین غاصبین و روستائیان محروم و زحمتکش وجود دارد به صورت اختلاف بین خلقهای فارس و ترکمن در آورند. ولی اسلحه ما در مقابل دشمنانمان اتحاد و یکپارچگی ماست. ما با این مسئله ایمان داریم. در مورد مسئله ارضی ما معتقدیم زمینهای متعلق به خاندان منور پهلوی و غاصبین کاملاً به روستائیان تعلق دارد و باید تحت نظارت شوراهای روستایی به صاحبان اصلی برگردانده شود. و در مورد زمینهای مورد اختلاف که آیا غصبی است یا غصبی نیست، هیئتی از ریش سفیدان همان روستا به مسئله رسیدگی و نتیجه به هیئت اعزامی گزارش داده شود. در بعضی از دهات که ۹۰٪ زمینها متعلق به یک و یا چند نفر زمین دار بزرگ است و اینها به شکلهای مختلف صاحبان شده اند نیز توسط زحمتکشان ده که طرح آن بانظر نمایندگان شوراهای خواهد بود، بهره برداری شود." نماینده دیگری از ستاد مرکزی شوراهای اشاره به قیام پرشکوه مردم و خونهایی که ریخته شده و اینکه دستاوردهای قیام کرد

# موج اخراج کارگران در شاهپور - ماه شهر

اخراج نمایندگان و مانع رشد آگاهی سایر کارگران بشوند. ثانیاً - با استخدام کارگران جدید، مزد کمتری به آنان بدهند. ثالثاً - با مطرح کردن ورشکستگی پولی را که می خواستند در پایان کار از دولت بگیرند و در دریافت دارند. اعتصاب کارگران از ۳ تیر ۵۸ شروع شده بود. تعداد کل کارگران و کارمندان حدوداً ۶۰۰ نفر است.

اعتصاب کارگران شرکت گسترش مسکن و خانه سازی که در شمال شاهپور در کنار رود جراحی قرار دارد بعد از ۴۵ روز با توطئه کارفرما شکست. رؤسای شرکت به این بهانه که ورشکست شده اند ۳۵۰ نفر از کارگران و کارمندان را اخراج نمودند. در میان این عده عناصر فعال و پیشرو دیده می شوند شرکت با پرداخت ۱۰ میلیون تومان حقوق و مزایای عقب افتاده به کارگران نشان داد که ورشکست نشده است. مسئولین امشور می خواستند بایک تیر چند نشان بزنند. اولاً - کارگران مبارز و فعال را

از خبرنامه شماره ۶ - شاخه خوزستان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

# خبرهای کوتاه کارگری

اراک - در کارخانه "هپکو" اراک جلسهای با حضور کارگران تشکیل و از شوراهای مترقی کارخانجات اراک دعوت شد یک شورای سراسری تشکیل شود. اعضای شوراهای کارخانجات از این طرح استقبال کرده اند.

رشت - کارگران شهرداری رشت روز سه شنبه ۱۲ مهرماه بخاطر دریافت حقوق ماههای گذشته خود و خواسته های رفاهی دیگر که از مدت ها پیش مطرح کرده بودند، دست از کار کشیدند و در برابر ساختمان شهرداری اجتماع کردند.

شهری - گروهی از کارگران مبارز کارخانجات چیت سازی های تهران که سابق طولانی در مبارزات کارگری داشته اند اخراج یا باز خرید شده اند. از جمله در کارخانه چیت ری ۱۶ کارگر اخراج شده اند.

قزوین - شوراهای سندیکاهای واقعی کارگری در کارخانجات صنعتی شهر قزوین با اعمال زور کمیته و عوامل کارفرما منحل شده و انجمن های به اصطلاح اسلامی که مجری دستورات کارفرمایان هستند، وظیفه مبارزه با کارگران را به عهده گرفته اند.

تهران - گروهی از کارگران بیکار که برای استخدام در مقابل کارخانه تولید دارو اجتماع کرده بودند مورد هجوم مأموران مسلح کمیته قرار می گیرند که چند تن زخمی و عده ای دستگیر می شوند. مأموران دوتن از کارگران بیکار را که مقاومت کرده بودند به محل کارخانه می برند و شکنجه می کنند.

قائم شهر - اوایل مهرماه کارگران کارخانه نساجی شماره یک به خاطر بخشنامه تهدیدآمیز و ضد کارگری شورای فرمایشی این کارخانه دست از کار می کشند و خواهان انحلال شورای ضد کارگری می شوند.

## شماره سوم نشریه سراسری "توانیر" منتشر شد

شکجه گاهها بوده افشانموده است در این شماره همچنین مقالاتی در مورد "در دلدل یک کارگر روز مزد" "نیروی ویژه چیست و چرا سازمان داده شده است" و چند مقاله دیگر نوشته شده است.

در سرمقاله این نشریه تحت عنوان "توطئه های ضد انقلاب را بشناسیم" زمینه چینی ارتجاع را برای کنار گذاشتن یکی از کارگران مبارز توانیر که مدت ۶ سال هم در زمان رژیم گذشته در زندانها و

## شماره پنجم نشریه "فنگر" منتشر شد

این شخص توسط دادگاههای انقلاب اسلامی آزاد شده است کلیه کردهائی انقلابی و ملی منطقه این عمل ضد انقلابی را محکوم نمودند و تظاهرات وسیعی توسط عشاری و روشنفکران بدین مناسبت شرکت نموده و خواسته های خود در سه ماده ارائه دادند.

شماره پنجم "فنگر" نشریه کارگران پیشرو صنعت نفت گچساران در تاریخ دوشنبه ۲۹ مرداد منتشر شد. در این شماره مقالاتی درباره "مجلس کذایی خبرگان، مجلس تدوین قوانین برای کشتار کارگران دهقانان و دیگر زحمتکشان است" "شورای قلابی کارکنان صنعت نفت گچساران از توطئه چینی علیه کارگران دست بردار نیست." "سخنان یک کارگر پیمانگی" گزارشی از تظاهرات عشاری که گیلویه و بویراحمد علیه منصور خان باشتی "و چند مقاله و خبر دیگر به چاپ رسیده است. لازم به تذکر است که منصور خان باشتی از سرسیردگان رژیم گذشته بوده که جنایات متعددی در رابطه با عشاریان منطقه کرده و منجمله چندین فقره قتل داشته است.

۱- بدون اتلاف وقت ملوک منصور باشتی را دستگیر و اعدام کند. ۲- اموال و زمینهای این جنایتکار پلید و سرسیرد رژیم سابق که جز حاصل دسترنج کشاورزان ستمدیده نیست، به نفع آنها تقسیم شود. ۳- دست کلیه عوامل و نوکران سرسیرد رژیم سابق و امیرالیم از جان و مال عشاری کوتاه گردد.

رفت. برای حق و حقیقت به پای خیزیم. راهی که مای روم علیه ظالمان است. دشمنان می دانند که منشاء قدرت ما در کجاست و از همین روسی در تفرقه و جدایی بین خلقها را دارند ولی قدرت خلق همانند قدرت سیل است و چیزی که ما را شکست خواهد داد ترس از دشمنان، ترس از احقاق حق و ترس از اجتماع کردن است. ما برای یکپارچگی و همبستگی خود مبارزه می کنیم. این گرد همایی تا ساعت ۱۲ ادامه یافت و در پایان تراکتیهای از طرف ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا در رابطه با محصول پنبه با این مضمون پخش شد: "کارگران و زحمتکشان سازمانهای کشاورزی، در صورتیکه تمام محصول پنبه های کاشته شده به دست شما متعلق به شماست اجازه ندهید غاصبین و زمینداران بزرگ حقوق شما را پایمال کنند. حداقل سهم شما از محصول باید بازماند. داران بزرگ مساوی باشد." سهم زحمتکشان روستایی از محصول پنبه زمین داران بزرگ باید به نصف، نصف تغییر کند.

اوضاع و احوال کنونی یکی پس از دیگری پایمال می شود گفت. "ابتداءً مدتی در روزنامه را تعطیل کردند و حمله به سازمانهای مترقی را شروع نمودند و سپس در کردستان کشت و کشتار راه انداختند و خواسته های به حق خلق کرد را نادیده گرفتند و حالا هم سعی دارند که صدای حق طلبانه خلق کرد به گوش خلقهای ایران برسد ولی می بینیم که به هدف خود نائل نشدند. ما در اینجا اعلام می کنیم که تا مسئله ارضی به نفع روستائیان محروم و زحمتکش حل نشود خلق ترکمن یک لحظه از مبارزه خود دست نخواهد کشید. خواست ما بر حق است و ما من پیروزی ما همبستگی و یکپارچگی ماست. هر دولتی که نخواهد منافع زحمتکشان و خلقهای ایران را در نظر بگیرد، دوام نخواهد داشت. همانطور که رژیم سابق زور داشت، اسلحه و زانوسد از دست ولی در مقابل قیام پرشکوه خلقهای ایران نتوانست ایستادگی کند." سپس آقای ارزانش سخنرانی کرد و در بخشهایی از سخنانش با تائید روی قدرت خلق و خواسته های برحق آنها گفت: "حق مال همه است. اگر چیزی حق یعنی برابری. اگر چیزی به من برسد، به دیگر نرسد سعادتی در بین نخواهد بود. اگر همبستگی نباشد همه چیزمان از بین خواهد رفت."

## شماره اول خبرنامه کارگری از حوزه کارگری غرب تهران پیشرو منتشر شد

در این خبرنامه اخباری از کارخانجات تکنوکار - مزدا شرکت فسان - ایران یاسا - کاتر پیلا - تولید دارو - اسکویب کارخانه دارویی عبیدی - دوپار داروپخش - ارج نوشته شده است به یک خبر مهم از این خبرنامه توجه کنید.

شماره ۲ راه سرخ - نشریه خبری شاخه تبریز سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در تاریخ ۱۱ مهر ۵۸ منتشر شد.

## خلق بلوچ از مبارزات قهرمانانه خلق کرد پشتیبانی می کند

اعمال نفوذ مرتجعین در آن - انتخابات مذکور را با شعارهای "شورای شهر تحریم است - ارتجاع نابود است" شورای شهر را غیرقانونی اعلام کردند. تظاهرات کنندگان با دادن شعار "کردستانی - کردستانی" راهت ادامه دارد - حتی اگر شب و روز، بر ما گلوله بارد "پشتیبانی خود را از حق تعیین سرنوشت برای خلق ها اعلام داشتند و با شعارهایی همچون "پاسدار غیربومی اخراج باید گردد - استاندار غیربومی اخراج باید گردد - خانه خلق بلوچ آزاد باید گردد" این خواست بحق را مورد تأکید دوباره قرار دادند.

در شرایطی که ارتجاع حاکم از بیم روبروشدن با خشم انقلابی زحمتکشان، ناشی از همبستگی آنها با خلق کرد می کوشد تا از نشر اخبار کردستان جلوگیری کند، خلقهای ایران در صدد ایجاد همبستگی بیشتر هستند و بی دریغ پشتیبانی خود را از خلق کرد اعلام می دارند. روز نوزدهم مهر بیش از ۲۰۰۰ نفر از مردم مبارز اهدان طی یک راهپیمایی و تظاهرات باشکوه همبستگی خود را با خلق کرد بار - دیگر مورد تأکید قرار دادند. در این راهپیمایی مردم مبارز بلوچ همچنین با اعتراض به نحوه برگزاری انتخابات شورای شهر و

# زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

# اعتراض

## کارگران پیمانی شرکت ملی نفت ایران اهواز

اهواز - کارکنان پیمانی شرکت ملی نفت ایران قسمت پخش و توزیع گازوئیل و روغن واقع در جنب سیلوی مرکزی اهواز بخاطر تعطیلی پنجاه و هفت نفر از تاریخ روز یکشنبه ۱ مهر ۵۸ به عنوان اعتراض و اعتصاب دستاز کار کشیدند.

# اجتماع و راهپیمایی

## کارگران شرکت ساختمانی مانا

کارگران شرکت ساختمانی مانا که از بدو تاسیس صنایع فولاد اهواز کار عملیات ساختمانی این مجتمع را به عهده داشته‌اند، در روز سه شنبه ۳ مهر ۵۸ به حالت اعتراض و اعتصاب دست از کار کشیده و در محوطه "سی - اف" (محل کارگران بیشتر آنجا جمع می‌شوند و حقوقشان را دریافت می‌کنند) اجتماع نمودند. این حرکت در رابطه با خواست تعطیلی مجدد پنجاه و هفت نفر مریض (به اضافه حقوقی ۷۵۰ تومانی) است که در ماههای قبل به آنها پرداخت گردیده بود. ولی در ماه قبل (شهریور) به حسابشان اضافه

پرتوان بادمبارزات کارگران مبارز صنایع فولاد

### کارگران متحصن تکنوکار خطاب به پاسداران مهاجم:

## "همان دستهایی که به شما اسلحه داد،

## اسلحه را از شما پس خواهد گرفت"

برادران کارگر، مبارزه خود را ترک کردند.

در ساعت ۳ نیمه شب روز دوشنبه ۹ مهر پاسداران مسلح به کارخانه یورش آوردند و در اطراف کارخانه آماده شلیک سنگر بندی کردند و ضمن فحاشی و توهین به ناموس و شرف ما کارگران تأیید کردند که نوکر سرمایه داران مزدور و مرتجع هستند و حاضرند برای دفاع از منافع آنها کارگرانی رایه گلوله ببندند که همین چند ماه پیش با قیام باشکوه خود تفنگ به دست آنان داده اند.

ما که از شبخون پاسداران به خشم آمده بودیم فریاد زدیم که "برای بردن این مفتخوران باید از روی نعش مارد شوید" و یکی یکی پیراهن خود را باز کرده سینه‌هایمان را جلوی لولسه تفنگ‌های اسرائیلی و آمریکایی پاسداران گرفتیم و فریاد زدیم: "اگر جرئتش را دارید بزنید. بکشید ما را. ما که چیزی نداریم از دست بدهیم." پاسداران که از این عمل ما هراسان شده بودند به تیراندازی هوایی دست زده و در همان حال عقب نشینی کردند.

وقتی که پاسداران می‌خواستند دوتن از برادران ما را همراه خویش ببرند همگی یکصد فریاد فرآوردیم: "ما را هم ببرید" و پاسداران همگی سوار ماشین‌های آخرین سیستم شده و قصد ترک کارخانه را داشتند. در همان حال ما کارگران فریاد می‌زدیم که: "شما برادر ما نیستید بلکه برادر این مفتخوران هستید." و مشت روی ماشین آنها می‌زدیم و یکصد فریاد می‌گفتیم که: "همین دستهایی که اسلحه به دست شما داد. همین دست‌ها اسلحه را از شما پس خواهد گرفت." ما ز همه برادران کارگر خود می‌پرسم چرا برای ۶۰ نفر پادست حالی ۱۲ پاسدار مجهز با انواع سلاحها و تجهیزات فرستادند

کارگران متحصن تکنوکار که برای جلوگیری از تعطیل کارخانه مبارزه با سرمایه داران وابسته از مدتی پیش در محل کارخانه متحصن شده‌اند، همچنان به مبارزه برحق خود ادامه می‌دهند. کارگران در اطلاعی شماره ۳ خود که قسمتی از آن را می‌خوانید چنین نوشته‌اند: برای جلوگیری از توطئه کارفرمای مزدور تکنوکار برای بستن کارخانه و اضافه کردن ماهه صف چند میلیونی بیکاران بعد از اینکه تحمّن اول مادر دفتر مرکزی بی نتیجه ماند و همه دستگاههای دولتی از اقدام کارفرما برای اخراج ماهشتیبانی کردند، روز شنبه ۷ مهر به وزارت کار رفتیم تا قرارداد را که در حضور کارگران، نمایندگان کارفرما و نمایندگان عباس آباد امضاء شده بود اجرا کنند ولی وزارت کار به نمایندگان ما گفت: "کارفرما مطابق قانون حق دارد کارخانه را تعطیل کند و مواد خام را چون متعلق به خودش است می‌تواند از انبار تخلیه نماید. و به شما هیچ ربطی ندارد." وزارت کار دولت موقت جمهوری اسلامی ایران در کمک به کارفرما برای اخراج کارگران و بستن کارخانه همسان قانونی رایه رخ ماکشید که به دست کارشناسان آمریکایی و "آزمون" های معدوم نوشته شده بود. وزارت کار فکرمی کند مبارزه ما کارگران علیه رژیم مزدور شاه و آریابانان آمریکایی اثر برای این بود که شاه مزدور فرار سولی توانین نظام پوسیده و صد خلقی شاهنشاهی به دست عدهای دیگر اجرا شود. اما کارگران هرگز اجازه نخواهند داد که دوباره قوانین نظام شاهنشاهی در مهبان اجرا شود. وقتی که ما در عمل دیدیم هیچیک از دستگاههای دولتی از خواست انقلابی ما برای جلوگیری از بستن کارخانه پشتیبانی نمی‌کند مصمم شدیم که با تکیه به اتحاد و مبارزه خود و کمک بقیه

# اخبار کارگری

سازمان جریکهای فدایی خلق ایران

## لغو سود ویژه کارگران و عوام فربیی هیئت حاکمه

نمی‌کند. تا مین حداقل زندگی کارگران را ابتدائی ترین خواستههای کارگران است. حاکمیت کنونی موزرانه لغو سود ویژه را چاشنی به اصطلاح "ملی شدن کارخانه‌ها" به حساب آورده است. هیئت حاکمه به کارگران می‌گوید: "حالا دیگر این کارخانه‌ها که ملی شده و متعلق به خود شماست لذا دیگر پرداخت سود ویژه به شما موردی ندارد." اما عوام فربیی هیات حاکمه دیگر خریداری ندارد در نزد کارگران دیگر نیرنگ رژیم شاه که زیر پوشش پرداخت بخشی از حقوق کارگران تحت عنوان "سود ویژه" صورت می‌گرفت خریداری نداشت.

هیئت حاکمه جدید که تحت عنوان ملی شدن صنایع می‌کوشد غارت کارگران را تشدید کند با پرداخت میلیاردها تومان وام و اعتبار به سرمایه داران از طرف دولت و تقاضاهای عاجزانه وی از آنان برای بازگشت به ایران همه و همه نشان دهنده ماهیت رژیم کنونی است که هدفی جز تحکیم نظام سرمایه داری و ادامه غارت کارگران بدست سرمایه داران ندارد. به این ترتیب تحت شرایط مشقت بار کنونی هرگونه توجه عوام فربییانه در کسر دریافتیهای کارگران و زحمتکشان به هر عنوان هدفی جز تشدید گرسنگی ورنج بیشتر آنان و انباشتن جیب سرمایه داران ندارد. در شرایطی که توده های میلیونی مردم هر روز بیش از پیش تهدید به بیکاری و قشاره های اقتصادی و اجتماعی می‌شوند و گرانی و نایابی مایحتاج عمومی و اجاره مسکن همچنان بی‌سداد می‌کند کسر به اصطلاح سود ویژه و با اقدامی نظیر آن و یا معسوق گذاردن اجرای قانون حداقل دستمزد که محصول مبارزات خونین طبقه کارگر است کام دیگری است از طرف سرمایه داران حاکم و مرتجعین قشری برعلیه زحمتکشان مهبان ما. اما از آنجائی که طبقه کارگر دستاوردهای مبارزاتی خود را با خطر جدی روبرو می‌بیند به افنای استثمارگران و مرتجعین پرداخته و زحمتکشان این نظام ننگین سرمایه داری را در هم خواهد شکست و پرچم سرخ خود را به نشانه پیروزی بر امپریالیسم و آنگاه رهائی از جنگ ستم و استثمار طبقاتی بر فرار ایگران آزاد و دمکراتیک فردا خواهد افراشت.

طبقه کارگر ایران چون بیش از سایر طبقات تحت ستم و استثمار سرمایه داری وابسته است بیشتر دیگران خواستار مقابله با غارتگری سرمایه داران و نابودی رژیم سرمایه داری می‌باشد. اما از آنجائی که سازشکاران و انحصار طلبان قشری از رشد مبارزات توده‌ها به وحشت افتادند و منافع خود را در خطر می‌دیدند، به تلاش همه جا نبه پرداختن تصادفای اعتراضی زحمتکشان را خاموش ساخته و با فریب و تیرنگ ابتدائی ترین حقوق آنها را که طی سالها مبارزه به دست آورده‌اند پس می‌گیرند. ارتجاع حاکم که منافعش متضاد با منافع طبقه کارگر است می‌گوید مردم نه برای گرانی و نابودی استثمار و وابستگی بلکه صرفا بخاطر برخی مسائل و مشکلات دینی مبارزه کردند. آنان می‌گویند هدف قیام را مطابق مصالح و منافع قشری و طبقاتی خود جا بزنند.

اخیرا هیات حاکمه زیر پوشش فریبنده "شعار ملی شدن کارخانه‌ها" تصمیم گرفته است سود ویژه کارگران را لغو کند. طرح عوام فربییانه سود ویژه که در رژیم شاه به اجراء آمد از حیل‌های جدیدی بود که از طرف سرمایه داران انحصاری و شرکای آنان برای فریب هر چه بیشتر کارگران به کار گرفته شد. به این ترتیب که سرمایه داران بخشی از دستمزد کارگران را که می‌بایست به آنها پرداخت نمایند کسر نموده و دوباره همان پول را به عنوان سود ویژه به کارگران برمی‌گردانند چنانچه تمام شواهد نشان می‌دهد حتی در یک مورد هم کارگران در سود ویژه سهم نداشتند. بعلاوه اکثر کارفرمایان می‌کوشیدند تا آنجا که ممکن است از پرداخت به موقع همین بخش از حقوق کارگران هم شانه خالی کنند.

امروز دیگر همه کارگران فهمیده اند که طبقه سرمایه دار با این شیوه می‌خواهد تضاد خود را با طبقه کارگر را پوشانی کرده و طبقه کارگر را در غارتگری های خود سهم جلوه دهد و جالب این بود که این حیل سرمایه داران از همان ابتدا با یوز خند کارگران روبرو شد. حاکمیت کنونی با استفاده از موقعیت خود در صدد لغو سود ویژه برآمده است. سود ویژه گرچه عنوان ارتجائی و غارتگرانه را دنبال می‌کند ولی به هر حال بخشی از حقوق کارگران است که می‌باید پرداخت شود. اکنون هیئت حاکمه سود ویژه را لغو کرده است و این هدفی جز استثمار بیشتر کارگران و حمایت از سرمایه داران غارتگر رادنیست.

ساعات کار کارخانه ها باید از ۲۸ ساعت به ۴ ساعت در هفته تقلیل یابد. این حق است که کارگران جهان طی مبارزات پیگیر و خونین خود بدست آورده اند. سازمان جریکهای فدایی خلق ایران شماره ۲۰ - ۵۸/۲/۷۱

### مردم مبارز انزلی به پشتیبانی از مبارزات برحق صیادان:

## جنایت کردستان در انزلی...

دادند و انزلی را به خون کشیدند. ننگشان باد، مرگشان باد. همچنین در میان کشته شدگان یک استوار و یک پاسبان نیز بودند که چون به کشتار مردم اعتراض می کردند توسط پاسداران از پای درآمدند. جانب اینجاست وقتی که ارتش سرکوبگر خود را در مقابل

طنین شعارهای " درود بر صیادان جنایت کردستان، در انزلی تکرار شد، " مرگ بر خلیجی، " انزلی کردستان، پیوندتان مبارک همراه با صدای گلوله های مسلسل فضای شهر را پر کرده بود.

گلوله ها در پاسخ به ندای حق طلبانه صیادانی شلیک می شد که در رژیم گذشته بازور سربزه از

#### \* صیادان انزلی

" مگر ما چه می خواستیم که این بار نیز جوایمان را مانند همیشه با گلوله گرفتیم؟ ما می خواستیم حق زندگی کردن و حق کار کردن داشته باشیم تا بتوانیم شکم زن و فرزند خود را سیر کنیم."

انبوه توده های خشمگین و حمایت بی دریغ مردم سراسر گیلان ناتوان دید با مانورهای عوام فریبانه سعی کرد خود را بی تفاوت نشان داده و با جلوگیری انداختن پاسداران و سپهر گیری مزرعه از جنایات وحشیانه آنها برای خود وجهه ای کسب کند و خود را به اصطلاح " قهرمان " و " مردم دار " جلوه دهند. در یادار مدنی که ابتدا برای سرکوب توده ها فراخوانده شده بود با مشاهده خشم توده ها سیاست جلا دانه ترور و وحشت را که در خوزستان به کار بسته است کنار گذاشت و جلوگیری از شورش سراسری را به رودروئی با توده ها ترجیح داد.

کاروردهای خود رانده شده بودند و با فقر و فلاکت زندگی مشقت باری را می گذراندند. صیادانی که تصور می کردند دیگر دوران اسارت سرآمده و زمان آن رسیده است که حقوق پایمال شده خود را به دست آورند.

اما اولین ندای حق طلبانه با گلوله پاسخ داده شد. مشت گره کرده نماینده صیادان با شلیک اولین گلوله در خون پیچید و صیاد دیگری " قربان علی یعقوبی " که پدر سه فرزند بود به زمین در غلطید. حرکت آغاز شد و موج عظیمی از مردم زحمتکش که هر یک به نوعی زیر فشار گرسنگی و رنج و محرومیت به تنگ آمده بودند به حمایت از صیادان برخاست.

فاجعه تکرار شد و حاکمیت ارتجاعی که سیاست های ضد مردمی خود را در کردستان آشکار کرده بود، این بار نیز تصمیم گرفت از طریق کشتار مردم، صدای آن ها را خاموش کند. این بود که دستور داد پاسداران آن ها را به مسلسل ببنند که در نتیجه ۱۷ نفر شهید و بیش از ۵۳ نفر زخمی شدند. صیادان انزلی در اعلامیه های که در رابطه با این فاجعه انتشار داده اند، می نویسند:

" مگر ما چه می خواستیم که این بار نیز جوایمان را مانند همیشه

#### \* \* \* مبارزات مردم انزلی چگونه آغاز شد؟

با وجود این که نزدیک به دو هفته از کشتار مردم انزلی می گذرد، اما از آن جایی که اخبار جنایت پاسداران و چگونگی مبارزات مردم به از طریق رادیو - تلویزیون و از طریق مطبوعات انعکاس پیدا نکرد، ما خلاصه ای از وقایع را در اینجا ذکر می کنیم:

#### بند انزلی با جمعیتی حدود

\* هر کجا حقی از زحمتکشان زایل می شود، هر کجا استمی علیه خلقهای ایران صورت می گیرد، فدائیان خلق آرزویشان این است که در کنار خلق حضور داشته باشند و پایه پای زحمتکشان و دوش به دوش آنها علیه ستمگران به مبارزه برخیزند.

۵۵/۵۰۰ نفر یکی از شهرهای کارگری شمال ایران می باشد. اکثر مردم این شهر هزینه زندگی خود را از راه ماهیگیری و کشاورزی تأمین می کنند. صیادان زحمتکش بندر انزلی قبل از قیام همواره یادار استعمار اداره شیلات بودند و با اگر هم بطور آزاد صید می کردند به دستگیری و تعقیب و شکنجه ماموران دولتی و ژواندار مری روبرو بودند. بعد از قیام صیادان شمال که مانند دیگر زحمتکشان ایران برای رهایی از بندهای استعمار قیام کرده بودند دیگر نمی توانستند فشارهای ظالمانه شرکت شیلات را بپذیرند. این بود که برای رهایی از استعمار اداره شیلات سعی کردند بطور آزاد به صید ماهی بپردازند. پس از تحکیم پایه های ضد مردمی حاکمیت کنونی و با آغاز فصل صید، دوباره اداره شیلات همان شیوه سابق را در پیش گرفت و با

با گلوله گرفتیم؟ ما می خواستیم حق زندگی کردن و حق کار کردن داشته باشیم تا بتوانیم شکم زن و فرزند خود را سیر کنیم... ما فکر می کردیم بعد از قیام و بعد از سرنگونی شاه دیکتاتور حالا دیگر به این ابتدائی ترین خواست های خود حوا هم رسید. ما دیدیم که همان عوام مسل سربرده رژیم سابق در شیلات به همراه مرتجعین تازه به قدرت رسیده، با همان روابط و ضوابط هنوز در راس کارها هستند. دیدیم که هنوز باید مبارزه کنیم. دیدیم که ابتدا سربازان را با مذاکرات بسپوده و وعده و وعید گرم کردند و در آخر هر چه را که گفته بودند بی شرمانه زیر پا گذاشتند و خود به دریاتور انداختند و ۸ هزار ماهی صید کردند، ماهی هایی که قدرت خریدن یک دانه آن را هم نداریم و در جواب اعتراض ما به پاسداران مزدور دستور شلیک

مبارک " و " کشتار کردستان در انزلی تکرار شد " به سوی خیابان ها حرکت کردند. تظاهرات گسترده و همه جانبه ای شکل گرفت. وقتی سیل جمعیت از جلوی سپاه پاسداران می گذشت، فریاد اعتراض به اوج خود رسید و خشم مردم دوچندان شد. پاسداران برای درهم شکستن صفوف خشمگین مردم شروع به تیراندازی و مرگباری کردند و تظاهرات مردم را به خون کشیدند. در این تیراندازی های جنون آمیز پاسداران، ده ها نفر زخمی گردیدند و چندین نفر شهید شدند.

خاطره جلا دانه پهلوی برای همه زنده شده بود. مردم شهر به جمع آوری پنبه و دارو پرداختند و مردمان وزن ها و بچه ها برای اهدای خون جلوی بیمارستان صف کشیدند. مردم رزمند نیز برای انتقام خون شهدای خود مقر سپاه پاسداران را محاصره کرده و به آتش کشیدند و با بستن راه انزلی - رشت مانع ورود سه کامیون پاسداری شدند که برای سرکوب توده های سیخ شده بودند. عده ای از پاسداران که هنوز

حمایت ارتش ژاندار مری و سپاه پاسداران و اعلام این مسئله که " هیچ کس حق صید آزاد ندارد " می خواست دوباره صیادان را مجبور به تبعیت از روابط ظالمانه گذشته کند اما صیادان که طعم تلخ بدبختی و استعمار را چشیده بودند از قبول آن سرباز زدند و هم چنان بر خواسته های برحق خود ایستادند. مسئولین اداره شیلات نمایندگان آنها را برای حل مسائل و مذاکره خواستند و قول دادند که صید را آزاد کنند. اما به آنچه گفته بودند عمل نکردند و در روز تعیین شده، همه قولها را زیر پا گذاشتند.

صیادان وقتی چنین دیدند صبح روز دوشنبه ۲۳ مهر به اعتراض جمعی برخاسته و توره های ماهیگیری شرکت شیلات را جمع کردند و حدود

زندگی صیادان تا همین باید گردد  
سپاه پاسداران برای همیشه از انزلی  
اخراج باید گردد  
فعالیت سازمانهای انقلابی  
آزاد باید گردد  
خواستهای خلق گرد تا همین باید گردد

کتابخانه - کلاس - ۱۱

در دیگر شهرها آغاز شد. حاکمیت ارتجاعی برای جلوگیری از مبارزات مردم و عدم گسترش آن، تلاشهای سرکوبگرانه خود را آغاز کرد. رادیو و تلویزیون تبلیغات همیشه خود را علیه فدائیان خلق و نیروهای مبارز شروع کرد و در یادار مدنی عامل سرسپرده امیرالایم که فعلا نقش سرکوب خلق عرب را بر عهده دارد مأموریت سرکوب زحمتکشان انزلی را نیز به عهده گرفت.

اولین پیام رادیویی در یادار مدنی پخش شد. او که خوب فهمید بود با سرکوب شدید مردم زحمتکش انزلی با کینه و نفرتی که ایجاد شده مبارزه را حتی به یک جنبش منطقه ای تبدیل خواهد شد، با مانورهای عوام فریبانه ای شیوه قلبی خود را که کشتار خلق بود، عوض کرد و از در سازش وارد شد. تا هم جنبش بندر انزلی را فرو نشانند و هم از آب گل آلود ماهی بگیرد و به سیاست های از پیش برنامهریزی شده خود جامه عمل بپوشاند. او و دیگر فرماندهان سرسپرده ارتش از این مانورها دو هدف

داشتند. یکی اینکه سپاه پاسداران را از جلوی راه خود بردارند و دیگر اینکه ارتش نیروی دریایی را دوست و حامی توده ها نشان دهند. آنها می خواهند با بزرگتر نشان دادن جنایاتی که سپاه پاسداران مرتکب شده اند و با انداختن همه تقصیرها بر گردن قشر روحانیت و عناصر لیبرال از یک سو بی لیاقتی و بی کفایتی این نیروها را به اثبات برسانند و از سوی دیگر ارتش را به عنوان " حامی و دوستدار " مردم نشان بدهند و این تصور را به وجود آورند که گویی ارتش در هیچ یک از این جنایات دست نداشته است. آنها می خواهند با دادن چهره ملی به این ارتش، ارتشی که هنوز ترکیب اصلی آن دست نخورده باقی مانده است، ارتشی که در حقیقت همان ارتش آریامهری و پاسدار سرمایه داری وابسته و محافظه مآفع امیرالایم است، ابتدا حمایت توده ها را به خود جلب کنند و سپس زمینه های کودتای دیگری را هم ریزی کنند. اما مردم آگاه ما با شناختی که از ماهیت این ارتش چه به علت جنایاتی که در گذشته مرتکب شده است و چه با کشتارهایی که در کردستان و سایر مناطق به راه انداخته است، فریب این نیرنگها را نخواهند خورد و همه این عوام فریبی ها را خنثی خواهند کرد. موضع گیری متفاوت جناح های هیات حاکمه در رابطه با مبارزات مردم انزلی حقایقی دیگر را بر توده های ما آشکار ساخت و ماهیت ارتجاعی و سرکوبگرانه حاکمیت کنونی را پیش از پیش روشن گردانید. اینک همه جناح های

رگه هایی از خصوصیت مردمی را با خود داشتند و کاملاً از توده زحمتکش نبریده بودند، اسلحه های خود را تحویل دادند و به حمایت از مردم داخل جمعیت شدند و بقیه آنها با سلاحهای خود به طرف مردم هجوم آوردند و با تیراندازی مرگباری که آغاز کردند، عده دیگری را نیز به خون افکندند و با استفاده از تار یکی و باران سیل آسا گریختند. البته یکی دو نفر از آنها به دام افتادند و به دست مردم به سزای اعمال ننگین خود رسیدند.

در اینجا تعداد زیادی از نیروهای ارتش با لباس رسمی و بدون اسلحه در میان مردم دیده می شدند. اینها در حقیقت دودسته بودند. یک دسته را کادرهای جزء نیروی دریایی و شهرتانی تشکیل می داد که خود به عنوان اعتراض و حمایت از دیگر مردم زحمتکش به جمعیت پیوسته بودند. از میان آنها یک استوار و یک پاسبان در اثر تیراندازی پاسداران شهید شدند. اما دسته دیگر بخشی از کادرهای غیر مسلح نیروی دریایی و تعدادی از کادرهای شهرتانی بود که دستور فرماندهان و به منظور اجرای سیاستهای سرکوبگرانه ارتش وارد شهر شده ظاهر مردمی به خود گرفته بودند و می خواستند با شیوه تهدید و تحسب کنترل شهر را به دست بگیرند. مردم از همان ابتدا به نیرنگ و فریب آنها می بردند و آنها را همراه با فرماندهان شان از میان صفوف خود بیرون کردند. موج مبارزات شهرهای دیگر شمال را فرا گرفت و اعتراضات وسیعی علیه حاکمیت و پاسداران

۸۵ هزار ماهی صید شده را درون کامیون های شرکت ریختند و بین زحمتکشان شهرتقسیم کردند و با شعار " مرگ بر شرکت تعاونی، زنده باد صیاد آزاد " به طرف شیلات حرکت کردند. در این اثنا سپاه پاسداران به سوی آنها هجوم آورده و شروع به تیراندازی کردند که به دنبال آن دو نفر از صیادان در خون غلتیدند که یکی به نام قربانعلی یعقوبی دردم شهید شد و دیگری به بیمارستان انتقال یافت. در اثر این تیراندازی ها دست نماینده صیادان نیز مورد اصابت گلوله قرار گرفت و کف دستش متلاشی گشت.

جمعیت هجوم آورد. زن و بچه و پیر و جوان گرد آمدند. انبوه توده های زحمتکش به حمایت از صیادان برخاست. جمعیت با شعارهای " مرگ بر ارتجاع "، " مرگ بر خلیجی " و " مرگ بر پاسداران " خشم و نفرت خود را نشان داد و دولت و پاسداران کردند.

پاسداران که خشم و کینه مردم را دیدند برای درهم شکستن مقاومت صیادان با رادیکال اقدام به تیراندازی کردند و مردم بی دفاع را به خاک و خون کشیدند. مردم نیز متقابلاً بر شیلات حمله برده و فروشگاه تعاونی و یکی از انبارهای بزرگ و ساختمان دفتری آن را به آتش کشیدند.

فردای آن روز تمام شهر به سوگ شهیدانشست. هم مبارزات تعطیل شدند و تمام کسبه شهر مغازه های خود را بستند. مردم با کوششهای زیاد جنازه شهدای خود را از بیمارستان گرفته و با شعارهای " مرگ بر پاسدار، نوکر سرمایه دار، انزلی، کردستان، پیوندتان

دانشجویان دانشکده افسری

### سرتیپ شاکر را...

بقیه از صفحه ۱

آن جمله ارتش شدیداً مورد تأیید نیروهای انقلابی و مردمی قرار گرفت، ولی به علت کارشناسی مزدورانی که به سرعت چهره عوض کرده و با ماسک انقلابی خود را به اهرم های قدرت نزدیک ساخته بودند، این تصفیه هانا کام مانده و اکنون تیغ توطئه گران در دانشکده افسری برگردن دانشجویان مبارز سنگینی می کند. دانشجویانی که در تحت شرایط فاشیستی و خفقان که به وسیله مزدوران همپس و سرتیپ منوچهر بیگلری، سرتیپ حسام الدین بیان و سرتیپ شاکر و... ایجاد شده بود اقدام به تشکیل هسته های مقاومت مخفی نمودند.

سرانجام دریای خشم خلق کشتی فرتوت شاهنشاهی را صد پاره به اعماق دریاها سپرد و فرماندهان مزدور نظیر سرتیپ شاکر، سرهنگ اکبر ویل فرماتده ضد اطلاعات و سرگرد صناپسی (معاون ضد اطلاعات) و سرهنگ مافی نظام به وسیله گروه های مبارز دانشکده به زندان انقلاب سپرده شدند. اما بناگاه دست های توطئه، سرهنگ اکبر ویل مزدور پهلوی را به فرماندهی رکن ۲ ارتش نشانید که بعد از مدتی به علت افشاکدن همکاری وی با کمیته مشترک به اصطلاح ضد خرابکاری باردیگر به زندان انقلاب کشیده شد. و سرتیپ شاکر نیز از پشت میله های زندان به فرماندهی ستاد مشترک گمارده گردید. سیستم شاهنشاهی به ارتش بازگردانیده شد و عوامل مزدور ضد اطلاعات و ساواک که به وسیله دانشجویان مبارز اخراج یا به زندان افتاده بودند به دانشکده بازگشتند تا مانند سیستم سابق به اربابان خود خدمت کنند و تعجبی نیست که دانشجویان مبارز مورد تصفیه قرار بگیرند. اکنون قصد پلید خود را با عناوین "ما زاد بر احتیاج"، "صلاحیت داشتن" و چرندیاتی دیگر اعمال می کنند. ونیمه شب ۱۵ دانشجویان با آنها راهی "تفریح" به سیاهچال های آریامهری جمشیدیه می کشانند و این رنگ خنثی است برای آنها که خوش بینانه از توطئه ها با میکوت می گذرند.

خالی از انتظار نیست در ارتشی که تیمسار شاکر در رأس آن باشند و مزدوران ضد اطلاعات آقایی کنند، یزید آگاه که با رژیم دیکتاتوری مبارزه کرده اند، اینک مورد تصفیه قرار بگیرند. ما دانشجویان دانشکده افسری با اتحاد و تشکل خود به مبارزه علیه توطئه ها ادامه خواهیم داد و سرسختانه خواهان آزادی هر چه زودتر دانشجویان دستگیر شده دانشکده افسری می باشیم و از تمام نیروهای ملی و مترقی خواستاریم قاصدای مارا به گوش خلق کبیر ایران برسانند.

مرگ بر امپریالیسم و مزدوران داخلی و پیش به سوی ارتشی مردمی و ملی



**عشق و کینه هر دو را در سینه دارد عشق به آزادی، کینه بدست خواهد آورد و کینه به هر کسی کتلورا استثمار می کند**

### اخبار زونل از خیزش صحرای ۹۰۸ کردستان است



### چند خبر مهم

به دنبال سفر دکتر یزدی به آمریکا و عقد چهار قرارداد جدید با این کشور ارتش سلاح های آمریکا به ایران از سر گرفته شد. اولین محموله سلاحها مبلغ ۳۰۰ میلیون دلار در تاریخ ۶ اکتبر راهی ایران شد. (لوموند ۷ اکتبر) قبلاً نیز هدیه گارتر اعلام کرده بود چنانچه دولت ایران درگیر جنگ داخلی شود، دولت آمریکا از ۴ بیت الله خمینی پشتیبانی خواهد کرد و تمام وسایل و لوازم پزشکی خریداری شده در زمان شاه سابق را به ایران تحویل خواهد داد. (نقل از خبرگزاری انقلاب).

بر اساس آمار که خبرنگار کردستان از روزنامه های سانسوری استخراج کرده از تاریخ ۲۰ شهریور تا ۲۰ مهر ۵۸، ۱۴۲ نفر پاسدار نظامی کشته، ۱۸۲ اسیر، ۲۰۹ نفر مفقود شده و ۲۰۲ نفر مجروح شده اند. ۲۶ وسیله موتوری از زمین رفته، ۵ تانک و ۷ نفرز منهدم و ۳ هلی کوپتر سرنگون شده است همچنین مدنی جلااد خلق عرب خوزستان نیز اعتراف کرده است که ارتش و پاسداران در کردستان تا اول مهر ۱۵۳۰ نفر کشته و ۳۰۰۰ نفر زخمی داده اند. مدنی گفته که حوادث کردستان برای ما تاکنون خیلی گران تمام شده است بازگان نیز در محاصره خود با اورپا نفاقاچی به کشته های بیش از انتظار سربازها و پاسداران اشاره کرده است. به این وسیله مجریان احکام الهی می خواهند بر کشتاری که به وسیله جنگ افزارهای آمریکائی در کردستان و خوزستان و... برکت می شوند، سرپوش گذارند.

سه گروه از افراد زنده گارد سابق جاویدان به فرماندهی سرهنگ عطاریان که متخصص در آموزش سیاسی و نظامی به سردشت و میروان و پاوه اعزام شده اند. تعداد افراد هر یک از این گروه ها ۱۰۵ نفر می باشد و فرماندهی این سه گروه را جداگانه ستوان "رحمتی" افسر سابق گارد که یک ماه پیش از اوین آزاد شد و ماهها به خاطر سرکوب مردم در روزهای قیام بازداشت بود و نفر دیگری با نامی "سروان گوهری" و "سروان رنیللی" به عهده دارند و به هر یک از آنها روزانه ۵۰۰ تومان فوق العاده داده می شود.

چهارشنبه ۱۸ مهر (به نقل از کیهان) یکی از مسئولین روابط عمومی سپاه پاسداران اعلام کرد که در درگیری یکشنبه ۱۵ مهر بین یک واحد ۶۶ نفری با پیشمرگان رخ داده که ۲۹ نفر از این واحد از اصفهان ۱۰ نفر از گارد سابق و ۲۷ نفر از تهران بودند.

اخیراً ۱۵ میلیون تومان و ۶۰۰ قبضه اسلحه از طرف نخست وزیر و به پیشنهاد چمران به افراد قیاده موقت داده شد که در درگیری های کردستان به طرفداری از پاسداران و ارتش وارد جنگ شوند. گفته می شود در سفر دو هفته پیش ادریس بارزانی به قم وی قول دریافت ۱۰۰۰ قبضه تفنگ و ۶۰ میلیون تومان پول را گرفته است.

### گوشه هالی از جنایات ارتش و پاسداران ...

روستائیان زحمتکش کردستان را تهدید به قتل و کشتار می نمایند. آنچه که در پیش این اعلامیه به طور وضوح نمودن می می کشید ماهیت ضد خلقی فرماندهان ارتش است. ارتشی که از لحاظ سازماندهی و مقررات رهبری و تجهیزات و سلاح کاملاً وابسته به امپریالیسم است. ارتشی که در ابتدای قیام خلق تا حدود زیادی درهم کوبیده شد مجدداً تجدید سازمان می کند و به تدریج قدرت می گیرد و در نتیجه خونی ارتش ضد خلقی هر چه بیشتر شکل می گیرد در عمل کسود و بیانیه های ارتش بهتر خود را نشان می دهد. بمباران شهرها و روستاهای کردستان و تهدید روستائیان زحمتکش خلق کرد به این طرز آشکار در ضمن باید چهره کسانی را که شعار ارتش برادر ماست می دادند می دهند رسوا نماید.

خلق قهرمان ایران. ارتش به همان صورت سابق بازسازی می شود. عوامل سرسپرده به امپریالیسم در رأس آن قرار می گیرند. این ارتش اکنون به صورت جماعتی برای سرکوب تمام خلقهای ایران درآمده است.

بزنند بقینا بدانند با خود اهالی آن حدود ما ننند افراد حزب منحل دموکرات و ضد انقلابیون رفتار خواهد شد.

درست به مفهوم حملاتی که در این اعلامیه ارتش جمهوری اسلامی آمده است توجه کنید تا متوجه شوید چه بنیادگرایانی در رأس ارتش قرار دارند. سرتیپ ظهیر نژاد فرمانده لشکر ۴ ارومیه که از جلادان شناخته شده خلق کرد است در این اعلامیه می گوید: "تشن برای رفاه شما و امنیت منطقه تلاش می کند" به همین جهت هرگاه "در حواله سی آبادی شما تظلمی افتاد با شما منسل ضد انقلابیون رفتار خواهد شد" (یعنی قتل عام خواهد شد) قتل عام ۶۸ تن از روستائیان قارناز از کودک و پسر و جوان به خاطر اینکه در چند کیلومتری روستای آنان چند پاسدار در جنگ کشته شدند جنایتی است که هرگز از یاد مردم زحمتکش ما نخواهد رفت. تفهیر این جنایان آدمکش که در رژیم گذشته در نشان تا از نیمه خون مردم مانده بود و حالا آب توبه ای که به ریخته اند و به طریق اسلامی (بایک بسم تعالی کا، تمام است)

### اخباری از کردستان:

عابدیک حرفه با داد و هدیه که کمک ان بتواند خودش را در باز جوتسی تیر کند. او مارا به مسخره گرفته است. ما از او دوا داده اعلامیه سازمان چریکهای فدائی خلق و یک کارتون که جای بایگانی اعلامیه می باشد به دست آورده ایم و وقتی از او می پرسیم که کمونیست هستید او (منیره) جواب می دهد که من حالا لیاقت کمونیست بودن را ندارم. تا تاریخ ۲۰ مهر ۵۸ تمام دختران دانش آموز را به جز سه نفر (منیره سالمی - خورشید درویش زاده و حمیده سبز علیزاده) را آزاد کرده اند. می گویند می خواهند این سه نفر را تبعید کنند.

سندج - به دنبال حمله به مقر پاسداران در سندج که به وسیله رزمندگان خلق صورت گرفته چهار پاسدار کشته و حدود ۱۵ نفر زخمی شده اند. چند روز است که تظاهرات عظیمی توسط مردم صورت می گیرد. امروز بیش از ظهر حدود پنجاه هزار نفر تظاهرات کردند. بعد از ظهر تظاهرات کنندگان کمتر از پیش از ظهر بوده است.

۲۸ مهر اکثر دکانهای خیابان و بازار مدارس تعطیل هستند. درگیری چند روز پیش سندج که منجر به کشته شدن ۳ نفر گردید (از مردم) به دنبال تظاهراتی بوده که برای بزرگداشت شهدای سندج برگزار شده بود که در خیابان وکیل چند نفر از پاسداران از ماشین پیاده شده و قصد بازداشت چند نفر را داشتند که مورد اعتراض مردم قرار می گیرند. در نتیجه پاسداران مردم را به رگبار می بندند. اکنون جو طوری است که مردم حتی آماده سنگر بندی در شهر هستند.

وگان - شب یکشنبه تاریخ ۱۵ مهر ما ۵۸ پیشمرگان و پاسداران مستقر در بوکان درگیری بسیار شدیدی در چندین نقطه روی داد. در این درگیری که از ساعت ۱۲ تا ۶ صبح ادامه داشت مدهای از پاسداران زخمی و کشته می شوند.

به گفته ناصر کریمی یکی از پاسداران در روزنامه کیهان ۱۸ مهر در اولین لحظه درگیری پنج پاسدار از پای در می آیند. طبق خبرهای بدست آمده از بیمارستان شهر حدود ۲۱ نفر کشته و حدود ۲۴ نفر زخمی در این درگیری تلفات جانی، پاسداران داشته اند. چهار نفر از جاش های محلی از جمله سیدنا در کریمی نیز در این درگیری زخمی شده اند. در تاریخ ۱۶ مهر کشته و زخمی هارا توسط هلی کوپتر به تهران انتقال دادند. درگیری بیشتر در محلات کارگرنشین و فقیر نشین به وقوع پیوست.

هر روز شاهد بازداشت و شکنجه های روانی در بوکان می باشیم در تاریخ ۱۶ مهر ما ۵۸ مده ای از دختران دبیرستان اشرف نیز بازداشت شده در میان آنان منیره سالمی و خورشید درویش زاده و حمیده سبز علیزاده دیده می شوند. اولیا دانش آموزان بوکان روز ۱۷ مهر در دبیرستان کمال جمع شده و در این اجتماع پدر منیره سالمی نار به مردم به رفتار پروردی نسبت دفعه پیش شما آدم و از احوال دخترم جو یا شدم. دخترم را ضامن به من بدهید تا در میان دو بیست نفر پاسدار نماند. طبق شرح و قرآن این کار درستی نیست.

ولی پروردی مزدور گفت "دختر شما سیاسی بوده و کس حق ملاقات با وی را ندارد."

### همگامی با نهضت مقاومت خلق کرد وظیفه مبرم همه نیروهای مبارز و انقلابی ایران است



بقیماز صفحه ۱۲

# چمران گرگی در لباس...

همکاری کرده اند ولی اکنون به طرفداری از اسلام برخاسته اند. مورد اعتماد کامل هستند. ولی عناصر مترقی و انقلابی رده های پائین ارتش که خود از مردم زحمتکش هستند و همراه با کارگران و سایر مردم زحمتکش رژیم منفور شاه را سرنگون کردند جایی در ارتش ندارند. چون "ایدئولوژی ضد مردمی آقای چمران را نوکری ارتجاع، سرمایه داری و امپریالیسم می شمارند" و اینها در اشکال مختلف یک هدف دارند و آن وابسته کردن هرچه بیشتر ارتش به امپریالیستها و تصفیه عناصر مترقی از درون آن است. بیهوده نیست که چند روزی قبلا از مصاحبه چمران سرتیپ فلاحي طی بخشنامه ای به جاسوسان درون ارتش هشدار می دهد که مواظب نفوذ نیروهای مترقی باشند. اگر به متن این بخشنامه توجه کنید

اعداد کرده اند و خوشبختانه دوران آنها به پایان آمده" اگر در حمله اودقت کنیم و به آن قسمت که مادر آن تاکید کرده ایم توجه کنیم، خواهیم دید که وی می گوید دیگر در ارتش کسی که در کشتار مردم بی گناه ما شرکت داشته باشد نیست و به اصطلاح "دوران آنها به پایان آمده". در واقع چمران می خواهد با این حرف خود آب تطهیر بر سر تمام جلادانی که دیروز به فرمان "آریامهر" مردم را قتل عام می کردند و اکنون زیر پوشش اسلام آنها را بمباران می کنند بریزد. چمران می خواهد وجود فرماندهان ضد خلقی ارتش را، وجود باقری ها، شاکرها، فلاحي ها و صدها افسر ارتش آریامهری را لاپوشانی کند. چمران در واقع می خواهد ارتجاعی ترین و ضد خلقی ترین جنایات را با غسل طهارت اسلامی انجام

بقیماز صفحه ۱

# ارتش شیوه های اسرائیلی را...

هیچگاه از خاطره ها محو نخواهد شد حتی یک روز قبل از انتشار این بیانیه پاسداران خانه ای را در مهاباد کلا منهدم کردند و ساکنین آن را در زیر خروارها خاک مدفون ساختند.

امانه این اخطارها و نه این وحشت آفرینی ها هیچکدام قادر نخواهد بود خلق های قهرمان ما را از مسیر مبارزاتش بازدارد. خراب کردن خانه های مردم بر سرزن و فرزندانشان ابتکار جدیدی نیست. سربازان اسرائیلی سال ها است که در پاسخ جنگ مقاومت رزمندگان فلسطینی خانه های مردمی را که به انقلابیون فلسطینی پناه می دادند بر سر ساکنان آن خراب می کردند. آقای چمران وزیر دفاع این درس ها را در سرزمین خونین فلسطین در همزیستی با اسرائیل، در کشتار تل زعتر فرا گرفته است و آنرا اکنون در کردستان پیاده می کند.

۴-... و خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل". شاکر، فلاحي و... نیز که در کشتار مردم بخصوص در روزهای توسط روزنامه کارونشریات سایر سازمانهای سیاسی به حد کافی افشا شده است اکنون دوباره رهبری سرکوب خلقهای قهرمان ایران و کشتار توده های زحمتکش را به عهده گرفته اند.

همانگونه که از مصاحبه فرمانده لشکر ارومیه برمی آید، آشکارا به این کشتار ادامه داده، اربعاب و تهدیدهایی را که در رژیم گذشته بر آن خو گرفته بودند، آغاز کرده اند.

دیده اند، تلاش می کنند با کمک گرفتن از نفوذ روحانیت، ارتش را حامی و پشتیبان مردم معرفی کنند تا در آینده بتوانند ارتش را همچون گذشته بازسازی کنند و کودتای دیگری را فراهم سازند و نقش رضا خان دیگری را در سرکوب خلق های ایران به عهده بگیرند.

در یادار مدتی باتلیفات وسیعی که در سراسر ایران برای ریاست جمهوری خود به راه انداخته است می خواهد نقش رضا خان دیگری را بازی کند. غافل از اینکه عصر رضا خان هابه سر آمده است و توده ها آگاه تر از آن هستند که به گذارند خود فروخته دیگری بیاید و نیم قرن تمام کشور را در سیست در اختیار امپریالیست ها قرار دهد.

آش به قدری شور پخته شده که حتی روزنامه های مثل انقلاب اسلامی هم تحمل چسیدن آن را ندارد. این روزنامه در مورد اعمال ننگین در یادار مدتی اشارات زیادی دارد که مایه ذکر چند نمونه از آن اکتفا می کنیم.

این کشتارها و این تهدیدها نه تنها مردم زحمتکش ما را از مبارزه باز نخواهد داشت بلکه آنها را درکی عمیق تر از اعمال جنایتکارانه فرماندهان ارتش و حاکمیت ارتجاعی باگام های استوار به مبارزاتشان ادامه خواهند داد.

اوج گیری مبارزات حق طلبانه پرسنل انقلابی ارتش نیز در ماه های اخیر به افشای بیشتر این ماهیت ارتجاعی کمک خواهد کرد. در زیر شاهد نمونه های زیادی از اعتصابات و اعتراضات پرسنل انقلابی ارتش هستیم که تمام بخش ها و مراکز ارتش را فرا گرفته است.

فرمانده لشکر ارومیه با وقاحت و بی شرمی تمام، در یک مصاحبه رادیو تلویزیونی در تاریخ یکشنبه ۳ مهرماه می گوید: "من بدتر از آن هستم که دیگران درباره من سخن می گویند... من باز تکرار من کنم چسماز خیابان تیراندازی شود، چه از طرف راست یا از طرف چپ خیابان آن محل بر سر حمله کننده خراب خواهد شد... کاری خواهیم کرد هم جغدو هم خانه خاموش شود. هر خانه، هر هتل، هر پارتمان و هر پنجره یا هر محل بر سر آن کسی که از آنجا تیراندازی کرده و سیران خواهد شد."

و می دانیم هم ارتش و هم پاسداران قبل از این اخطارها خانه های زیادی را منهدم کردند، کشتار وحشیانه روستائیان قارنا

۱- پرداخت میلیونها تومان بودجه بیت المال به روحانی نماها و شیوخ جهت تثبیت موقعیت و تبلیغات شخصی.

۲- پرداخت هزینه های چاپ اعلامیه و پوسترهای تبلیغاتی ریاست جمهوری از بیت المال مسلمین.

۳- دستگیری مردم بی گناه و انجام چند اعلام سفارشی جهت تحکیم موقعیت سیاسی استانداری خوزستان.

از برای مساوت طبقات و اطلاعات (بد اطلاعات)

شماره ۱۸۱-۱۸۰-۰۲۰-۰۱

تاریخ ۱۳۵۸/۷/۱۱

به گمراهگان بگرز

بخشنامه

برای اطلاع واصله چریکهای فدائی خلق به همه دستهای و ریزه های نظامی و اطلاعاتی

نصود نموده و از این پرسنل نظامی تعدادی را برای اشغال نمود تا عملیات چریکهای

فدائی را انجام دهند و طبعاً از دستور فرمایند به با استناد از گزارشهای

اسلامی برای پرسنل جمعی سخنرانان و آنان را از راه نامشروع

رئیس ستاد برای

دهد. ولی بدبختی او و هر نیروی مرتجع می مثل او در این است که خیلی زود رسوا می شوند. اگر می خواهید این عنصر دست نشانده را بشناسید به گزارش نماینده آیت الله خمینی از کردستان که در روزنامه اطلاعات شماره ۱۵۹۷۹ در تاریخ ۲۵ مهر ۵۸ چاپ شده دقت نمائید. مهسودی بهادران در قسمتی از نامه خود به آیت الله خمینی می نویسد: "بعضی ادله و شواهد در دست است که در کردستان و آذربایجان غربی یک توطئه مرموز در جریان است. زیرا فئودالها و مالکین که در رژیم گذشته عامل اجرایی شاه در منطقه بودند که توسط افرادی نظیر دکتر چمران تیمسار ظهیرنژاد فرمانده لشکر ۶۴ ارومیه، سرهنگ شهبازیان و سایر فرماندهان ارتشی و ژاندارمری تا بن دندان مسلح شده اند و..."

آری وقتی دکتر چمران می گوید "دوران" دژخیمان به پایان آمده در واقع می خواهد خود و ظهیر نژادها، شهبازیانها را که همان جلادان و مهره های رژیم گذشته هستند، با آب و روغن و سلام و صلوات در لباس دوست درآورد. چمران "گرگی" است که در لباس "میش" درآمد و در این کار خود بقیه همکاران توطئه گر خود را وارد گله می نمایند.

از نظر چمران تمام کسانی که در گذشته با رژیم به طور مستقیم

متوجه خواهید شد که چگونه نوکران امپریالیسم دست خود را روی می کنند و این بخشنامه آئینه تمام نمای ماهیت رژیم کنونی و ارتشی است که با تمام نیرو دارند آن را احیاء می کنند. در این ارتش فلاحي ها، باقری ها، شاکرها و چمران ها که هر یک سوابق کثیفی در خدمت به امپریالیسم امریکا و صهیونیسم اسرائیل و رژیم شاه داشته اند به فرماندهی ارتش انتخاب شده اند. از نظر ماکاملا طبیعی است که این عناصر مزدور و سرسپرده به دشمنی با فدائیان خلق برخیزند. زیرا چریکهای فدائی خلق که خونین ترین و پیگیرانه ترین مبارزه را علیه رژیم شاه و ار پلایان امپریالیستش به پیش برده اند، همراه با سایر نیروهای مبارز و انقلابی همانقدر پیوند خود را با توده مردم زحمتکش به اثبات رسانیده اند که دشمنی خود را با همین عناصر مزدور و سرسپرده ثابت کرده اند.

در اینجانب این مسئله را باید خاطر نشان سازیم که با وجود تمام تکذیب نامه هایی که از جانب مقامات حاکمه علیه نماینده بودن آقای بهادران صورت گرفته است ایشان نماینده آیت الله خمینی بوده و دستور کتبی داشته اند و تمام اسنادی که حکایت از موثق بودن نمایندگی ایشان دارد در روزنامه انقلاب اسلامی شماره ۱۰۱ بتاريخ اول آبانماه عینا درج گردیده است

## تظاهرات در نیروی هوایی

در تاریخ ۱۰ مهرماه ۵۸ درجه داران نیروی هوایی علیه فرماندهان خود دست به تظاهرات زدند و خواستار تشکیل شوراها و تصفیه عناصر خائن رژیم قبلی شدند. در این موقع تیمسار قربانی زاده در جواب گفت: "به جای نام شورا، کمیته یا گروه یا هر چه را که دلتان می خواهد بگذارید ولی نام شورا را حذف کنید."

در خاتمه درجه داران تصمیم گرفتند از فرماندهان انتصابی پیروی نکنند و برای انتخاب نماینده و تشکیل شورا های واقعی اقدام کنند.

## در ارتش جمهوری اسلامی با سربازان چگونه رفتار می کنند؟

گوساله ها اصلا لیاقت هیچکاری را ندارند. در این بین به تیمسار شاکر خیر رسید و وی بلافاصله دو کامیون سرباز مسلح از گارد راه ستاد نیرو فرستاد و آنها نیز مجبور به ترک محوطه شدند.

چون سربازانی را دیدند که مثل خودشان تحت ستم هستند.

## اهواز - روز سه شنبه ۱۰ مهر گروهی از درجه داران و سربازان پادگان لشکر ۹۲ اهواز اقدام به یک حرکت اعتراضی جمعی نمودند.

پرسنل مزبور از محل پادگان به ستاد لشکر عزیمت نمودند. در مقابل دفتر فرماندهی لشکر خواستهای صنفی خود را که عبارت بود از: تعطیلی

تهران - حدود ۷۰ نفر درجه دار و غیر نظامی، افسر و همافروزیه (۱ مهر در ستاد نیرو و تظاهرات کردند و با شعار "فرماندهان فاسد اعدام باید گردند" "ارتش اسلامی تصفیه باید گردد" به وضع فعلی ارتش اعتراض کردند و در جلوی ساختمان فرمانده اجتماع نمودند. فرمانده نیرو توسط هلیکوپتر از پایگاه گریخت و جانسپین او سرتیپ کمال قربان زاده جلوی پرسنل تظاهر کننده حضور یافت. پرسنل نظامی با این کار خود به آنها نشان دادند که ارتش شانها را دیگر حاضر به تحمل بازگشت وضع سابق نیستند.

روزهای پنجشنبه، اقدام برای پرداخت پاداش اول مهر و مسئله دفترچه خواروبارو... مطرح کردند. در پایان فرماندهی لشکر با یکی از خواستهای آنان یعنی تعطیلی روزهای پنجشنبه موافقت نمود و تصمیم در مورد بقیه مسائل به بعد موکول شد.

اهواز - روز سه شنبه ۱۰ مهر گروهی از درجه داران و سربازان پادگان لشکر ۹۲ اهواز اقدام به یک حرکت اعتراضی جمعی نمودند. پرسنل مزبور از محل پادگان به ستاد لشکر عزیمت نمودند. در مقابل دفتر فرماندهی لشکر خواستهای صنفی خود را که عبارت بود از: تعطیلی

این کلمه را روشن کنید. اگر آقای نخست وزیر از تفسیر خرابکار عاجز هستند، ما شرحی کوچک اضافه می کنیم.

خرابکار از نظر سرمایه داران و عاملان وابسته به امپریالیسم به کسانی گفته می شود که در راه نابودی آنها، رفع استعمار و استثمار و ایجاد ایرانی آزاد و آباد گام برمی دارند. از نظر سرمایه داران، خرابکار و ضد انقلابی کسی است که ظالم و گرسنگی مظلوم را تحمل نمی کند. شما چه می گوئید آقای بازارگان؟

تهران - شهربانی ۲۰ نفر نماینده پاسان ها و ما موران شهربانی به نخست وزیر رفته به کلمه "خرابکار" در شرح وظایفشان اعتراض داشتند. چون به آنها گفته شده "باید برای شناسایی و ردگیری و تعقیب و بازداشت خرابکاران و... به ما موریت بروند". آنها هم گفته اند در رژیم سابق ما را بدنیال انقلابیون فرستادند و می گفتند خرابکارها هستند.

مردم یکبار ما را بخشیده اند و دیگر بار نمی بخشند. پس باید معنی

# حق تعیین سرنوشت خلقها ضامن وحدت و یکپارچگی است

### ۱۳ آبان سالروز مبارزات ...

بقیه از صفحه ۱۲

پاکسازی ادارات و مدارات و اصلاحات ضد انقلاب، انقلابی ترین نیروی فدائی خلق را اخراج کرده، فعالیت های اجتماعی دانش آموزان را ممنوع می کنند. خلق کرد را به شیوه ای که در تمام تاریخ خونین آن بی سابقه است به خاک و خون کشیده اند. میر جاهد ارضی هست گلوله و سرکوب و کشتار مردم هم هست سرمایه داری وابسته از طریق احیای ارتش و بازسازی دستگاه دولتی می کوشد سلطه تسلط بر خود را تثبیت کند. این تهاجمی ها حقایق بسیاری را بر ما آشکار می سازد. و مهمتر از همه اینکه مبارزه در راه آزادی سلطه امپریالیسم و دیکتاتوری هیتلر به تنهایی ایمن نیافته است بلکه تا پایان آن که برقراری جمهوری دموکراتیک خلق است راه درازی در پیش داریم. ما امروزاً موخه های ما که حائزای و فداکاری توده ها و قوتی تحت رهبری پیشرو واقعی طبقه کارگر سازمان نیابیده همان سرنوشتی دچار خواهد شد که اکنون جنبش خلق مایدان دچار شده است. و در این میان جنبش دانش آموزی و دانشجویی و وظائف خطیری بر عهده دارد.

نیروی عظیم و انرژی انقلابی بیکران دانش آموزان و دانشجویان باید همچون اهرمی قوی در بریدن آگاهی سیاسی و طبقاتی به میان توده ها به کار گرفته شود. دانش آموزان پیشرو باید نقش خود

\* مردم مبارزانزلی به پشتیبانی از مبارزات برحق صیادان

### جنایت کردستان در انزلی تکرار ...

بقیه از صفحه ۵

سی افتخار است که در این زمان نام آنها با تمام مسردم پلی شده است. فدائیان خلق پیوسته بر چهره های رنجبران را در دست داشته و همواره جان برکف در کنار آنها برای رهایی از قفس ستم و بهره کشی مبارزه خواهند کرد. روزنامه جمهوری اسلامی و دیگر ارگان های سخن برانگیز رژیم با همه نیت و اهداف ارتجاعی که دارند و با هر قصد و منظوری که این اخبار را پخش می کنند، یک حقیقت را نادیده نگرفته اند و آن است که هر کجا توده های زحمتکش علیه استثمارگران و استثمار به مبارزه می خرید و هر کجا این مبارزات با سرکوب خونین در خیابان روستا می شود، آنها فدائیان را به بار می طینند و شعار "فدائی، فدائی" بالا می گیرند.

آری، درست است. واقعاً هم هر کجا حقی از زحمتکشان زایل می شود، هر کجا ستمی علیه حلقه های ایران صورت می گیرد، هر کجا که سرمایه داران و عوام مسل امپریالیسم به جیاول و غارت و استثمار کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان می بینند، فدائیان خلق از رویشان این است که در کنار خلق حضور داشته باشند و با بیای زحمتکشان و دوش بدوش آنها علیه استثمارگران به مبارزه برخیزند.

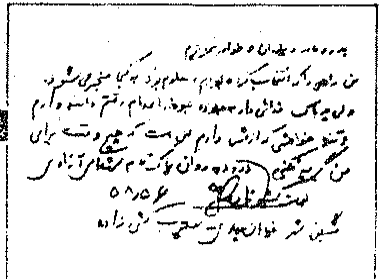
پس امروز با همه مبارزات حقی طلبانه حلقه های ایران

### فدائیان خلق با خلق خویش ...

وابسته به بیگانه معرفی می کنند به دنبال یورش سبانه و وحشیانه ارتجاع به کردستان برای سرکوب خلق کرد، ماهواره پرده از جنایات فجیع آنان برداشته و نشان داده ایم که چگونه رزمندگان راه خلق قهرمانانه در راه آرمانها و اهداف خلق زحمتکش ایران مبارزه کرده اند و به دست عمال ارتجاع شهید شده اند. اسناد این جنایات به قدری زیادند که تنها ارتجاع است که می تواند مدعی ساختگی بودن آن باشد.

و صیغته رفقای شهید ابوبکر حمیدی و رفیق یوسف کشی زاده (فدائی خلق) نشان عهد و بیامی است که این رزمندگان رهائی خلق با خلق قهرمان ایران بسته اند.

ماهیت جلادانی که بهترین فرزندان خلق را اعدام می کنند، برای مردم آشکار است و همانطور که جلادان ساواک در دادگاه خلق محاکمه و اعدام شدند، این جلادان نیز به سزای فحایع و اعمال ننگینشان خواهند رسید.



پدر، در روز ۱۳ آبان ماه ۱۳۵۸ در راه آزادی شهید شد. نام او ابوبکر حمیدی است. او در روز ۱۳ آبان ماه ۱۳۵۸ در راه آزادی شهید شد. او در روز ۱۳ آبان ماه ۱۳۵۸ در راه آزادی شهید شد.

پدر و مادر و برادران و خواهر عزیزم من راهی را که انتخاب کرده بودم معلوم بود که کاملاً منجر می شود ولی چه باک، فدائی وار به جلو می خواهم اعدام فرتم و امیدوارم و تنها خواهی که از شما دارم این است که هیچوقت برای من گریه نکنی. درود به روان پاک تمام شهدای راه آزادی یوسف کشی زاده مشکین شهر -

پدر و مادر، برادر و خواهر و همسر و دوستان و فامیلهایم با درود فراوان به روان پاک شهدای راه آزادی به آرزوی دیرینم، شهادت در راه زحمتکشان به آرزوی خودم رسیدم. در آن راه ایستادم. درود به تمام شهدای راه راستی درود به قلب عزیزانم که خون فرزند خود را دارند. پدر جان بسرم را خوب تربیت کنیدی و راه من را به او یاد بدهید راه انقلاب است. فرزندان ابوبکر حمیدی بوکان -

### سازمان ارتجاعی "امل" به سرکردگی ...

بقیه از صفحه ۱

خمینی برای بررسی وضع جنوب لبنان وارد بیروت شدند و امروز ۲۴ مهر رهسپار جنوب لبنان گشتند. سفر این هیئت که مشخص نیست با اطلاع دولت جمهوری اسلامی ایران انجام گرفته یا خیر، مورد استفاده تبلیغاتی محافظان ظرهدار لیبی در بیروت قرار گرفته است. چنین به نظر می رسد که سفر این هیئت و استفاده تبلیغاتی از آن در واقع عکس العملی است در برابر دیدار هیئت گذشته دکتر صادق طباطبائی از جنوب لبنان که با لیبی رژیم انجام گرفت و بسا استقبال پر شور و نظاهرات کم نظیر ساکنان جنوب لبنان، در پیرو شد. روزنامه السفیر وابسته

به رژیم لیبی ضرر و روح حجت الاسلام خمینی و عتف های آنرا مفصلاً نوشته و از قول او گفته است: مردم جنوب لبنان باید مسلح شوند و دوش به دوش برادران فلسطینی با اسرائیل بجنگند. ما بارها از دولت مهندس بازرگان خواستیم و می خواهیم که در اسلحه خانه های موجود در یادگانهای ایران را باز کنند و بیول و اسلحه در اختیار انقلاب فلسطین و مردم جنوب لبنان بگذارند.

منبع خبر در ادامه گزارش حسین خمینی در این مصاحبه تلویحاً سازمان اسلحه و مجلس عالی اسلامی شیعه لبنان انتقاد کرده است. این منبع گزارش خود را چنین ادامه می دهد: "به نوشته روزنامه السفیر آقای خمینی با هیئتی از حزب اتحاد سوسیالیستی عرب (وابسته به رژیم لیبی) در بیروت ملاقات کرد و بعد از آن حزب اعلامیه ای منتشر کرد که در آن گفته شد آقای حسین خمینی نماینده رسمی امام گفته انقلاب دوم همه

حدود سه هفته پیش صادق طباطبائی سخنگوی دولت لبنان دیدار کرد. گفته شده است یکی از ما موریتهای او بررسی شرایط جنوب لبنان و ارزیابی نیازهای دفاعی این منطقه جهت تعیین کم و کیف کمک دولت ایران به این منطقه بود. دیدار طباطبائی طبق برنامه حساب شده با دیدار و قیافه منظور رسیدن دشمنان به مواضع ارتجاعی و فلسطینی سازمان ارتجاعی "امل" ترتیب یافت.

این دیدارها و گفتارهای مترقی بیامون با سید چمران و توضیحاتی که فلسطینی ها در این باره به امام داده اند و سیر به خاطر بی اعتمادی ناشی از تصادف های میان جناح های حاکمیت سرپرستی آقای حسن خمینی به لبنان می برسد. ظاهراً حسن خمینی در حال حاضر با مصالحه و سیاست هایی که مورد نظر هیئت حاکمه و پاندم چمران است همسو می و توافق کامل ندارد لذا طی دیدارها و گفتارهای خویش، نظرات خود را بیامون ترکیب دولت و سیاستهای آن، با دید چمران و جنبش "امل" و بخش ارتجاعی سرکردگان آن بیان داشته است.

از این نظر دستگاری با دید چمران در لبنان از همان لحظاتی ورود حسین خمینی به لبنان به دست و پا افتاد و گزارش سریعی برای پاندم چمران به ایران ارسال داشته است. تذکر این نکته لازم است که در ایالات گزارش مذکور حمله فقط جهت اطلاع آقای قطب زاده "دیده می شود. در گزارش مزبور که قسمتهای از آن را نقل می کنیم آمده است که:

روز گذشته (۲۳ مهر) آقای سید حسین خمینی توهام به اتفاق تنی چند از روحانیون از سوی امام

مناقان و فرصت طلبانی را که خود راه انقلاب آویخته اند از میسان خواهد برد. آنچه از گزارش جاسوسان سازمان "امل" بیش از همه به چشم می خورد تا کیدی است بسر سی اعتمادی جناح های حاکم نسبت به یکدیگر و مهمتر از این آنچه که برای خلق ما اهمیت بیشتری دارد ضربه بزرگی است که در مضمون برخورد این حاکمیت ارتجاعی نسبت به پیوند میان خلق های ایران و فلسطین و لبنان نهفته است.

این انحصار طلبان اکنون که تحت فشار توده های قهرمان ایران مجبور به موضع گیری ظاهری به نفع جنبش فلسطین و پایداری مردم جنوب لبنان شده اند هر یک می خواهند این روابط را وسیله ای در خدمت مصالح گروه خویش قرار دهد.

با دجنایتکاران مل، این زمینه سازان کشتار خلق رزمنده فلسطین در تسل زعترو پایداری شناخته شده آن در ایران چون چمران، قطب زاده طباطبائی و یزدی که اخیراً بسا فرماندهان سرسپرده ارتش روی هم ریخته اند اکنون برای اغفال مردم ظاهراً برای جنبش خلق فلسطین اشک تمساح می ریزند.

اینان در حالی که در این چند ماهه اخیر دستشان را به خون صدها تن از مردم زحمتکش میهن ما آلوده اند می کوشند تمجیدهای توخالی از فلسطین را وسیله ای برای پنهان کردن ماهیت و سوابق ضد مردمی خود سازند و تحت عنوان حمایت از خلق فلسطین نوظه های خود را علیه خلقهای فلسطین و ایران جامه عمل پوشانند. مردم ما از قاتلان خلق قهرمان کردستان و شریک قتل عام تل زعترو و دارودسته اش انتظاری جز این ندارد.





### مادر احسن و شهریار ناهید :

## فرزندانی که جرم گرد بودن اعدام ...

من از چه کسی باید دادخواهی کنم؟ دو پسر جوانم را بی گناه بدون محاکمه، تنها به خاطر اینکه کرد و دانشجو بودند و به گفته مرتجعین آدم کش، "برای عبرت دیگران"، تیرباران کردند... من جواب خواهر آنهارا چه بدهم؟ چگونه باور کنم که جگر گوشه هایم "احسن" و "شهریار" اینطور وحشیانه اعدام شده اند؟ به خدا قسم "شهریزید" هم اینطور نبودند. آنها "زین العابدین" را به خاطر اینکه بیمار بودند نکشتند. ولی ایسین جلادان، در حکومت اسلامی، فرزند محروم "احسن" را که شش گلوله در پایش بود و در تب می سوخت در کنار برادر کوچکش "شهریار" خواباندند و به رگبار گلوله بستند... آیا این است مفهوم عدل اسلامی؟

که در مجلس یاد بود فرزندان شهیدش سخن می گفت در حالیکه به شدت متأثر بود به سخنانش چنین ادامه داد: "به پای پسر بزرگم احسن که امسال در رشته مهندسی فارغ التحصیل می شد، شش گلوله زده بودند و در حالیکه تا شکمش در گچ بود تیربارانش کردند. ننه دادگامی، نه چیزی، فقط سه روز پس از دستگیری او و برادرش عمده دیگری را جوانمردانه تیرباران کردند. هر چه غذا و کمپوت برایش به بیمارستان فرستادیم به او ندادند، هر چه مراجعه کردیم تا او را ملاقات کنیم، نگذاشتند. در آخرین روز یکی از مسئولین بیمارستان مرا به ملاقاتش برد. احسن بیپوش بود. مدتی بعد به هوش آمد و از زبان خودش چگونگی برخوردش را با دژ خیمان بیان کرد و گفت " آنها ابتدا به پاهایم شلیک کردند و من دیگر چیزی نفهمیدم تنها یاد می آید که هنگام انتقال به بیمارستان سنج، شهریار مرا به دوش گرفته بود و به خاطر بی توجهی پاسداران به آنها اعتراض می کرد..."

مادر رفقای شهید، احسن و شهریار ناهید، در حالی که چشمانش از اشک پر شده بود افزود " احسن نمی توانست حرکت کند و در این سه شبانه روز به شدت ضعیف شده بود. روی دستهای بدنش "خون مردگی" و زخم های

" مبارزین کرد را در گروههای چند نفری پیش خلیجی جلاد می آوردند و او بلافاصله دستور تیرباران آنها را صادر می کرد. احسن و شهریار و یک دانش آموز سال دوم نظری را که فقط ۱۶ سال داشت نزد جلاد آوردند. او پرسید اینها چکاره اند؟ یکی از پاسداران گفت دو نفر هاننجوی سنندجی و یکی دانش آموز که گفته می شود با کردها همکاری داشته اند. از قیافه و نحوه برخوردشان با پاسدارها نیز معلوم می شود که "چی هستند، خلیجی جلاد با آن چهره نفرت انگیزش چند لحظه به آن سه نفر که یکی از آنها بر روی برانکسار بیمارستان خوابیده بود (نگریست و گفت همین دلایل کافی است. محکوم به تیرباران می کنیم تا دیگران عبرت بگیرند. یکی از پاسداران که بهت زده شده بود گفت:

" یکی از آنها مجروح است و نمی تواند بیستد. یک نفر دیگر که کمتر از ۱۸ سال دارد.

خلیجی جلاد این قاتل دیوانه بی اعتناء به سخنان این پاسدار ساده دل و فریب خورده دوباره گفت:

" حکم من تیرباران هر سه نفرشان است. در هر وضعیتی که هستند. (آن پاسدار بعد از مردم پیوست و بسیاری از اسلحه زار بیدادگاهها و جنایات رژیم را بر ملا کرد.)

" مادر " در مورد چگونگی تحویل گرفتن اجساد فرزندان شهیدش گفت:

" پس از مدتی رفت و آمد توانستیم جسد هارا تحویل بگیریم

بدن پسر کوچکم " شهریار " را سوراخ سوراخ کرده بودند. آنقدر گلوله به سر و صورتش زده بودند که نمی شد او را شناخت. صورتش متلاشی شده بود. پسر بزرگم " احسن " را که نمی توانست به علت جراحت پاهایش، بایستد بصورت درازکش اعدام نموده و سرتاسر بدنش را گلوله باران کرده بودند. چند نفر از کسانی که شاهد این جنایت وحشتناک و بی رحمانه بودند شدند عکس و فیلم بگیرند. من دو روز پس از اینکه اجساد فرزندانم را به چشم دیدم و عکسهای تیرباران آنها را مشاهده کردم به تهران آمدم و نزد مرحوم طالقانی رفتم و ما حرا را به ایشان گفتم. مرحوم طالقانی ابتدا باور نمی کرد و میگفت این کارها را حتی رژیم گذشته نیز انجام نداده و امکان ندارد چنین وقایعی صحت داشته باشد. ولی وقتی ایشان با تاشروگریه شدید من روبرو شد و عکسها و اسناد مربوط به این جنایات را مشاهده کرد به حقیقت موضوع پی برد. مرحوم طالقانی به شدت خشمگین شد و چند بار به پشانی اش زد و گفت " وای بر ما! وای بر ما! من جواب شما را چه بدهم؟"

مادر احسن و شهریار ناهید در طول سخنان خود بارها از خاطره فرزندان دیگر خلق کرد که به دست دژخیمان جمهوری اسلامی به فجیع ترین شکل به قتل رسیدند یاد کرد و گفت: "آپا پاهای یک حکومت می تواند بر روی چنین جنایاتی استوار بماند؟ ننگ این اعمال جنایت آمیز تا ابد بر پشانی این حکومت باقی خواهد ماند!

مادر، ترا سوگند به شیر پاکت که از سینه گرسنگی به من دادی ترا سوگند به دستانت که ترک خورده بود از ستن رخت همسایه

برخیز و به تن کن جامه سرخ گل سرخ برسینه بیازین خواهرم را بگذار بردوش او فشنگدان و تفنگم آئین مرا هم - سالهاست او با خود دارد برخیز و بپوشان خصم را با هجوم کینه ات مادر.

برخیز جامه سرخ بنپاور برتن خواهرم جامه رزم ببپوشان خود نیز پرچم آئینم را بردار تا خصیم ببیند بر خود سپیده انهدام سرخی انقلاب مادر، نمی میرم اگر در ره سرخم تو بالبخند بگذاری قدم میندیش مادر، که تنها به تو فرزندم فرزند خلقم، راهم راه خلق آتش کینه خلقم من در قلبم، شعله می افروزم

مادر تو نیز چون من سرخ باش. توضیح: این شعر کوتاه شده از شعروصیتا مهر فقی است.

بقیه از صفحه ۱۲

## گرامی باد

### یاد فدائی شهید ...

بودند به جند و در هنگام بازگشت در حالی که رفیق احسن ناهید را بردوش حمل می کرد توسط نیروهای دولتی دستگیری شود رفیق جمیل چون تمام رفقای فدائی پوزه دشمنان خلق را در محاکمه فرمایشی دادگاه شرع به خاک مالید. در محاکمه هنگامی که حاکم شرع با حماقت می خواست در دل او رعب و ترس بیندازد گفت: " من فدائی خلقم. اگر مرا بکشید باک ندارم. زحمتکشان انتقام مرا خواهند گرفت."

خلیجی مثل تمام همکاران رسوایش در طول تاریخ قاه قاه خندید و شروع به مسخره کردن اعتقادات رفیق نمود و رفیق چهره این جلاد را با آب دهان مزین کرد. رفیق را تا هنگام اعدام بارها و بارها شکنجه کردند. هنوز فریادهای اوطنین انداز است که می گفت:

" من فدائی خلقم و آرزوی من جز کشته شدن در راه خلق ندارم رفیق در وصیت نامه پرشور خود شعرگونه ای سرود که قسمتی از آن را نقل می کنیم:

کرد و در متشکل کردن و بسره راه انداختن تظاهرات نقش اساسی داشت و بر اثر همین فعالیتها به وسیله ساواک دستگیر شد و مدت یکماه در زندان ساواک بسربرد. رفیق پس از پیروزی قیام به سنندج آمد و در دفتر هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق به فعالیت پرداخت. رفیق عاشق صادق زحمتکشان بود. رفقای او هنوز شب های بسیاری را که رفیق تا صبح بیدار می ماند و مطالعه می کرد یا به تک تک خانه ها سر می زد و اعلامیه های سازمان را پخش می کرد به یاد دارند. رفیق صادقانه می کوشید فدائی خلق باشد و پیروز به دوستانش گفت:

" آرزوی من خدمت به خلق است. اگر در این راه اعدام هم بشوم آن گلوله هایی را که به خاطر خلق به طرف من می آید خواهم بوسید. " رفیق به خاطر تحقق به آرزویش در کمیته دهقانی دفتر هواداران سازمان به فعالیت پرداخت و آخرین بار هنگامی که به کمک دهقانان شناخته بود تا علیه نفوذالهای مسلح شده توسط دولت که به دهقانان حمله کرده

### شهید دیگری از خلق کرد

## یاد رفیق شهید طهمورت اکبری

### گرامی باد

مربوان دریاد ماندنی و فراموش نشدنی است.

هر کجا که ارتجاع علیه منافع خلق سنگر گرفته بود رفیق با تفنگش در سنگر مقابل ایستاده و قاطعانه مبارزه می کرد. در جریان حمله اخیر ارتجاع به کردستان او و رفقای دلیر همزمش به کوه رفته و مبارزه را ادامه دادند.

طهمورت در روز نهم شهریور هنگامی که با رفیق فواد سلطانی از اعضای سازمان انقلابی زحمتکشان راهی بانوبود در یک درگیری چند ساعته با نیروهای ارتجاع و لبرانه جنگید و خون خود را در راه راهائی خلق زحمتکش کرد و دیگر خلقهای ایران تقدیم کرد و بار دیگر حماسه جانبازی فرزندان راستین خلق را تا ابد بخشید. او راه هزاران شهید طبقه کارگر، راه سرخ زحمتکشان، راه فدائیان خلق را ادامه داد و خونش کوهستان های کردستان را گلگون کرد. از خون او هزاران شقایق سرخ خواهد روئید.

جاودان باد یاد شهیدان به خون خفته خلق ننگ و نفرت بر ارتجاع و امپریالیسم

رفیق طهمورت اکبری در سال ۱۳۳۷ در خانواده ای کم درآمد متولد شد. او خیلی زود به خاطر محیط و شرایط زندگی خود و درک درد و رنج به آگاهی طبقاتی دست یافت و در راه سرخ رهایی زحمتکشان قدم نهاد. طهمورت تحصیلات متوسطه را در سال ۱۳۵۶ در مربوان تمام کرد و در آن زمان که جنبش خلق ایران اوج می گرفت او نیز همپای تمام خلق محروم و زجر کشیده ایران علیه رژیم پهلوی فعالیت می کرد. او همراه رفقایش ساعت ها به دست نویسی و تکثیر اعلامیه ها و جزوه های انقلابی می پرداخت و بدین طریق آگاهی مارکسیستی - لنینیستی را بین توده ها رواج می داد. طهمورت بنیانگزار تشکیلات سیاسی محصل - دانشجو و نیز تشکیلات پیشگام مربوان بود و عملاً در هدایت و رهبری آن نقشی موثر و بارز داشت. او همسراه یزندگان کوله بارهای دارو و ابزار می کشید و به روستاهای دور و پرت کوهستانی می رفت و با صداقت و مهربانی به در دروستانیان می رسید بر خورد ها و فعالیت های طهمورت در جریان کوچ مردم مربوان و یورش پاسداران به آنها برای تمام مردم

## گرامی باد خاطره همه شهدای به خون خفته خلق

گزارشی از اعتصاب فاسترویلرتهران جنوب وابسته به صنایع فولاد اهاواز

# تنها شورائی می تواند حقمان را از کارفرما بگیرد که اعضایش، نمایندگان واقعی ما باشند

پروژه صنعتی مجتمع فولاد اهاواز از اوایل سال ۵۵ آغاز شد و تاکنون ۶۰ درصد کار به اتمام رسیده است. شرکت های بزرگی که در پروژه صنعتی صنایع فولاد مشغول بکار هستند عبارتند از: "فاستر ویلر" تهران جنوب (که شامل چهار شرکت: کورف، لورگی، اچ.وی. ال. و سوفر ساید است) "ماشین سازی" و "مانا".  
چهار شرکت فوق الذکر شرکتهای جداگانه ای هستند که پیروان کنسرسیومی بنام "فاسترویلرتهران جنوب" جمع شده اند. تعداد کارگران تقریباً ۳۰۰۰ نفر است.

ضدانقلابی شدند؟  
کارگران با فریادهای تحسین آمیز حرفهای اورا تپید کردند و مصرانه خواستند که به حرفهایش ادامه دهد. آنها اورا روی دستهای خود بلند کردند و به جایگاه سخنرانی رساندند. او ادامه داد:  
"امروز هفت ماه است که از انقلاب می گذرد. تا حالا برای ما چکار کرده اند؟ تا حرف میزنیم، می گویند "کافر" و "ضدانقلاب" همه اش از ماصبر می خواهند. نمیدانیم تا کی باید صبر کنیم. هر وقت خواستیم چیزی بگوئیم، گفتند: حرف نزن، والا میکشند. بگذار مرا بکشند، بگذار تکه تکه ام کنند، اما حرفم را بزنم. حرف من حرف تمام کارگران است."

آن موج خشمی که از پیش نسبت به نمایندگان قلابی شورادر میان کارگران بالا گرفته بود، با جسارت تحسین آمیز این کارگر به اوج خود رسید. همه کارگران یک صدا شورارابه خاطر سازش با کارفرما، ارتجاعی و ضد کارگری خواندند و خواستار انحلال آن شدند.  
در اینجایی از کارگران بالا رفت و گفت: "برادران کارگر، توجه داشته باشید که ما با شور و اصل شور مخالف نیستیم. ما شوراهای ضد کارگری و نماینده های خود فروخته نمی خواهیم. ما باید نمایندگان قلابی را از شور بیرون بیاوریم و نمایندگان واقعی خود را به شور بفرستیم."

**درد پر کارگران آگاه و مبارز فاسترویلرتهران جنوب**  
ما شرح کامل ادامه این اعتصابات را برای تجربه بیشتر کارگران مبارز ایرانی در این شماره و شماره آینده نشریه چاپ خواهیم کرد.

کارگران فولاد که با مبارزات قهرمانانه خود چه در قیام و چه قبل و بعد از آن همواره مبارزه سرسختانه بی ربرای کسب حقوق خود و درهم کوبیدن هرگونه توطئه ضد کارگری ادامه داده اند، امروز نیز به شکلی دیگر این مبارزه را علیه دشمنان طبقاتی خویش دنبال می کنند. در این جاماسعی می کنیم علل و چگونگی اعتصاب اخیر کارگران فاسترویلرتهران جنوب (بزرگترین شرکت پیمانکاری صنایع فولاد) و اتحاد بی سابقه و پیروز مند کارگران را در برابر حق کشی ها و توطئه های چینی های کارفرمایان و عوامل آنان روشن نمائیم.

نزدیک به سه ماه است که از آغاز فعالیت "شورای اسلامی زحمتکشان فاسترویلرتهران جنوب" می گذرد. شورای شرکت نامبرده دارای ۴۰ نماینده می باشد که از این نمایندگان ۳۰ نفر در شورای کارگاه و ۱۰ نفر در شورای مرکزی فعالیت می نمایند. با توجه به اینکه عناصر وابسته به کارفرما برای راه انداختن تبلیغات وسیع به نفع خودشان امکانات وسیعی داشتند، در زمان برگزاری انتخابات شورا، انتخاب نمایندگان واقعی کارگران میسر نشد و در نتیجه جز تعداد اندکی نماینده واقعی که بر چندار اعتصابات و مبارزات گذشته بودند، اکثر نمایندگان شورا، بخصوص شورای مرکزی یا از اردو دسته کارفرما بودند و یا عناصر ساده دلی که بر اثر شدت یافتن برنامه های تبلیغاتی و انحرافی رژیم حاکم موجود، نا آگاهانه به سازش با کارفرما کشیده شدند. این شورا بنا بر ترکیب غیر کارگری نمایندگان و نیز به علت تاثیر عوامل کارفرما از خارج بر آن، علاوه بر اینکه نسبت به خواستهای کارگران بی توجه است، عملاً به مانعی در راه حرکت کارگران برای رسیدن به خواسته هایشان نیز تبدیل شده است.

به دنبال مذاکرات بیپوده "شورای اسلامی زحمتکشان فاسترویلرتهران جنوب" که از یک ماه و نیم پیش جهت رسیدگی به ۲۳ خواست کارگران با مسئولین امر آغاز گردیده بود، بالاخره طی یک دعوت عمومی که از طرف شورای مرکزی این شرکت به عمل آمد، در ساعت ۸ صبح بیست و پنجم شهریور ماه جلسه ای با حضور سه هزار تن از کارگران در فضای باز جلوی کارگری تشکیل شد. مشورت نکردن شورای مرکزی با شورای کارگاه ها در مورد دعوت کارگران به این جلسه، از طرف نمایندگان پشت یازدن به اصول انضباط نامه شوراطلقی شد و محکوم گردید.

در میان انبوه کارگران، نمایندگان با دسته های پراکنده کارگران بر سر این موضوع بحث می کردند و مخالفت خود را ابراز می داشتند. یکی از نمایندگان می گفت: "این کار اشتباه است. ما بی خود خودمان را درگیر این مسائل کرده ایم، در شورای مرکزی عناصر خائن و خود فروش وجود دارند. آنها با رئیس شرکت تهران جنوب وز دو بند دارند."

در گوشه و کنار جلسه و در میان کارگران، عناصر مشکوک نیروی ویژه دیده می شوند. آنچه که از چهره و نگاه های کارگران خوانده میشد بی اعتمادی و نفرت بی سابقه نسبت به شور و آتش خشمی عمیق نسبت به کارفرما بود. همه از توطئه هایی که علیه نمایندگان مبارز چیده شده بود، سخن می گفتند. حرفهای کارگران نشان می داد که همه آنها در این مدت کوتاه دوستان و دشمنان خود را شناخته اند. کارگران دیگر میدانستند که چه کسی به کارفرما خدمت می کند و چه کسی به کارگر. آنها اسامی کسانی را جزو خائنین می آوردند که تا دیروز با پنهان کردن خود زیر ماسک "دفاع از اسلام و انقلاب" خود را حامی کارگران و دشمن سرمایه داران معرفی می نمودند.

یکی از کارگران می گفت: "حالا دیگر ما هیت آنها روشن شده. هیچ از خودتان پرسیده اید که چرا خاکسار را بیرون کرده اند؟ مگر خاکسار جز دفاع از حق کارگران، کار دیگری هم کرده است...؟"  
در این میان نمایندگان شورای مرکزی با یک بلندگوی کوچک دستی آمدند و کارگران را به گرد خود جمع کردند. یکی از نمایندگان برنامه سخنرانی شورار اعلام کرد. سپس نمایندگان یکی یکی شروع به صحبت کردند. صحبت های آنان از همان آغاز با بی اعتنائی کارگران روبرو شد. در همین زمان مهمه ریز و کنواختی از میان کارگران بلند شد و آنجا که نماینده ای صحبت از وجود عناصر به اصطلاح منافق! در میان صفوف کارگران کرد، دیگر تاب و تحمل بر کسی نماند. در این میان کارگر ۵ ساله ای که به شدت برافروخته و عصبانی بود، با صدای پیر طنین خود نظر همرا جلب کرد:

"این نماینده دروغ می گوید! کارگران! شما نباید به این حرفها گوش بدهید. این شورا، شورای کارفرماست! هر وقت جمع شدیم از حقوقمان صحبت کنیم، گفتند باید منافقین و ضدانقلابیون را فلان و همان بکنیم. شما نمایندگان قلابی باعث نفاق هستید، ما شما را قبول نداریم. من می پرسم مگر ما کارگرها نبودیم که انقلاب کردیم؟ همه این کارگرها که اینها هستند، همین ها مبارزه کردند. چطور شد که حالا

**یکی از نمایندگان کارگران فاسترویلر:**  
**ما می گوئیم: حق مسکن کارفرما می گوید: کمک مسکن ما می گوئیم: حق خواربار کارفرما می گوید: کمک هزینه ما می گوئیم: حق بهداشت کارفرما می گوید: کمک درمانی می دانید چرا؟ چون هر وقت کارگران موفق می شوند حقوق واقعی خود را از چنگال کارفرما بیرون بکشند، اوسعی می کند با فریبکاری و وارونه جلوه دادن حقایق سرمایه داری بگذارد**

نیز به گونه ای دیگر این مبارزه را علیه دشمنان خویش دنبال می کنند. در اینجاماسعی می کنیم علت و چگونگی اعتصاب اخیر کارگران فاسترویلرتهران جنوب "بزرگترین شرکت پیمانکاری صنایع فولاد" و اتحاد بی سابقه و پیروز مند کارگران را در برابر حق کشی ها و توطئه چینی های کارفرمایان و عوامل آنان روشن نمائیم. "باشد تا با انعکاس این مبارزه و این اتحاد درخشان تجربه مبارزاتی کارگران ایران غنای بیشتری یابد."

حرکت دوران ساز کارگران قهرمان "فولاد" در روز یکشنبه ۲۵ شهریور که منجر به افشای ماهیت ضد کارگری کارخانه گردید بی شک نشانه رشد آگاهی طبقاتی کارگران و گسترش صفوف متحد آنان است. کارگران فولاد که با مبارزات خود چه در قیام و چه بعد از آن همواره مبارزه سرسختانه ای را برای کسب حقوق برحق خویش و درهم کوبیدن هرگونه توطئه ضد کارگری ادامه داده اند، امروز

دوشنبه ۲ مهر  
جرقه حرکت اعتراض آمیزی  
کاز ۲۵ شهریور آغاز شد بطور  
مشخص نشان دهنده ماهیت  
ضد کارگری شورای اسلامی زحمتکشان  
فاسترویلرتهران جنوب و سهل  
انکاری مسئولین امر به ۲۳ خواسته  
برحق کارگران است. این جرقه  
بالاخره با آتش گرفتن یکی از  
کارگران در حین کار به "حریق"  
تبدیل شد. با عدم حضور پزشک  
در بهداری خشم فروخته کارگران  
برانگیخته شد. یکی از کارگران  
می گفت:

"چرا نباید یک آمبولانس  
در قسمت باشد. چرا بعد از شش ماه  
که از اعتراض ما می گذرد هنوز  
کوچکترین توجهی به این مسئله  
نشده؟ چطور می شود بدون وسایل  
ایمنی کار کرد، اگر این کارگر  
بمیرد، چه کسی مسئول است؟"  
هر لحظه تعداد کارگرانی  
که در محل حادثه بودند افزوده  
می شد. کارگران تصمیم گرفتند  
که دسته جمعی به سوی کارگری  
حرکت نموده و در آنجا اجتماع  
کنند. بعد از حرکت کارگران از  
قسمتهای مختلف و جمع در مقابل  
کارگری خواستار آمدن طالقانی  
(رئیس تهران جنوب) و نمایندگان  
شورا برای رسیدگی به مسئله و  
دادن پاسخ به سایر درخواستهای  
خود شدند.

وقتی که طالقانی (رئیس  
تهران جنوب) به میان جمع آورده  
شد کارگران اورا زیر سؤال گرفتند:  
یکی از کارگران به او گفت: "خوب  
بفرمائید"، خیر سوختن کارگر  
مارا که شنیدید؟" طالقانی گفت:  
"خب بله" و کارگر با الحمن  
تمسخر آمیزی گفت "چه عجب!"  
و سپس روبه جمع کرد و گفت:  
"برادران کارگر، من از شما  
می پرسم این چند ماهی که آقای  
طالقانی به اینجا آمده تا حال  
شما اورا دیده اید؟" کارگران یکصدا  
گفتند "نه" و سپس کارگری با  
اشاره به جمع شسته رفته طالقانی  
گفت "شرط می بندم. تا حال آفتاب  
اونو ندیده" طالقانی با مشاهده  
این وضع سعی می کرد بهانه  
بیاورد و خود را تبرئه کند او می گفت  
که باید فرصت داد تا آمبولانس از  
پروژه منحل شده صنایع فولاد  
برسد و انشاء الله همه خواسته های  
شما رسیدگی خواهد شد. اوسعی  
می کرد موقعیت خود را تا حد یک  
کارمند ساده کارفرما پائین بیاورد  
تا از این طریق از خود سلب مسئولیت  
کند. یکی از کارگران در جواب  
حرفهای او چنین گفت:

"شما از ما می خواهید که ما  
فرصت بدهیم. آ یا بقال و میوه -  
فروش هم به ما فرصت می دهد؟  
اگر صاحب خانه کرایه اش یک ماه  
به تاخیر بیفتد به ما فرصت می دهد؟  
دولت اگر از ما می خواهد صبر داشته  
باشیم و ما به ما فرصت بدهیم باید  
به دکانداران و صاحب خانه هاهم  
بخشنامه صادر کند که به ما فرصت  
بدهند. شمه برای احتیاجات  
ضروری ما برای درمان زن و بچه  
مریض، صد تومان مساعد شده  
نمی دهد و این خواست ما را غیر  
قانونی می دانید چگونه از ما  
می خواهید که باز هم صبر داشته  
باشیم؟"

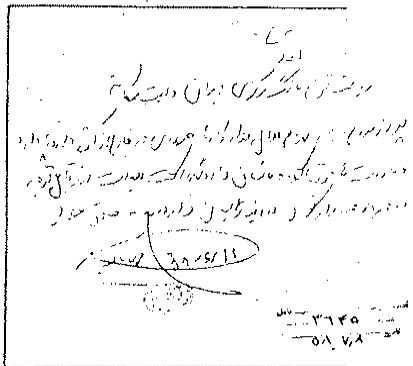
بقیه در صفحه ۱۱

## ۴۸ ساعت کار طاقت فرسا در کارخانه ها باید به ۴۰ ساعت تقلیل پیدا کند



### رشوه خواری و توصیه پراکنی ...

بقیه از صفحه ۱



بسمه تعالی  
زیاست محترم بانک مرکزی  
ایران دامت برکاته  
پس از سلام آقای بهرام  
جلال مدار کارهای ضروری در خارج  
از کشور دار دو ما موریت های فوق  
العاده به ایشان داده شده است امید  
است از قابل توجه در حدود صد  
هزار تومان در اختیار ایشان قرار  
دهید.

صادق خلخالی  
۵۸/۶/۱۶ مهاباد

باید "باصلاح دید" انجام شود.  
اگر در گذشته ساده ترین  
دشوار بیهای مردم بدون پول و پارتی  
انجام شدنی نبود، حالاً نه تنها هم  
پول را می خواهد و هم پارتی را بلکه  
باید امضای خود را بدهد و پارتی  
باشد. البته اینها همه یک جنبه قضیه  
است، شرط دیگر قضیه این است که  
ابتدا "تجار" معتبر "و وابسته به آمریکا  
خرشان از پیل گذشته باشد و اقوام  
و نزدیکان کاخ نشینان جدید کاملاً  
سیراب و اشباع شده باشند" که  
نخواهند شد.

در زیر یک نمونه داریم از  
توصیه های صادق خلخالی حاکم  
شروع به رئیس بانک مرکزی که دستور  
داده است به بیگانه انجام ما موریت  
یکصد هزار تومان از زرد در اختیار یکی از  
بزرگان قرار دهند.

گوئی حاکم شرع که تاکنون  
بدون "کوچکترین چشم داشتی" به  
وظائف خطیر مشغول بود در راز  
خوش خدمتی ها و جنایاتی که در  
کردستان مرتکب شده از حساب  
"بیت المال" دستخوش می خواهد.

از قیام نیز هر چند در سطوح بالا  
کماکان ادامه داشت، از آنجا که کارها  
هنوز روی غلطک نیفتاده بود، کسی  
از آن با خبر نمی شد. اما حالا فساد و  
رشوه خواری و توصیه پراکنی شکل  
زنده ای به خود گرفته است.  
اگر تاکنون فقط میوه چینیان  
انقلاب با هلی کوبی پترهای اداری به  
تفریح می رفتند و از زمینهای تنیس  
خانواده سلطنتی و کاخهای رجال  
استفاده می کردند، اگر تاکنون  
نزدیکان و آشنایان به قدرت رسیده  
همه امکانات را به خود اختصاص  
داده بودند، اما حالا برای  
همه مردم مارو روشن شده است که  
توصیه بازی از محدود کار فلان  
آخوندی که مقرر مانده خود را  
کاخ علم قرار داده، فراتر رفته است و  
هیچ کاری بدون پارتی بازی، بدون  
رشوه دهی و توصیه پذیری انجام نمی  
شود.

از سهمیه تخم مرغ و پودر رخت  
شوئی و روغن نباتی گرفته تا تبدیل  
تومان و ریال به ارز و استخدام در  
پست دولتی و غیر دولتی همه و همه

### تنها شورائی می تواند حقم را ...

بقیه از صفحه ۱

اوناباسو استفاده از نام اسلام  
دارم از کار فرمای زالوصفت دفاع  
می کنی. منم که حالا دارم  
صحبت می کنم معلوم نیست بعد  
چکارم می کنی.  
یکی از کارگران میانه سال  
فریاد زد "غلط می کنی. چه کسی  
گفته از حقت دفاع نکن. اگر با زور  
می شد کاری کرد شاه هم کرده بود."  
کارگری که توسط او با نشان  
"نیروی ویژه" مورد تهدید قرار  
گرفته بود به میان کارگران آمد و  
وضع خود را تشریح کرد و گفت:  
"برادرا، منو به هفته پیش  
تهدید کردن که دست از کارهام  
بردارم و دیگه نگم نماینده ها  
طرفدار کار فرما هستن. من به خاطر  
اینکه جلوی میرزا خانی (رئیس  
مجمع) ایستادم و از حقم دفاع  
کردم و گفتم ما کارگرمی تونیم  
خودمون حقمون بگیریم و احتیاج  
به نماینده نداریم، تهدید شدم  
هر ساعت کمیته تصفیه و تزکیه که  
مثل چماق کار فرما بالای سر کارگران  
مبارز گذاشته شده احضار می کنه.  
یکی از نمایندگان شورای مرکزی بنام  
رحمان بابا علی که همه شما خوب  
می شناسیدش، خود سرانو بود و  
مهرشورایم احضار به فرستاده  
و سپس احضار به راد آورده و به  
کارگران نشان داد. اعتراض نسبت  
به این عمل در میان کارگران بالا  
گرفت. بابا علی که در مقام دفاع از  
خود برآمده بود سعی داشت با  
قسم و آیه خود را توجیه کند، وقتی  
با اعتراض دسته جمعی کارگران  
روبرو شد یاد ویدن به سوئی فریاد  
زد.

"مسلمانهاش این طرف"  
و سعی نمود با این حرکت تفرقه  
افکنانه به وحدت و یکپارچگی  
کارگران آسیب رساند. اما کارگران  
با آگاهی این آخرین حیلنه  
ریاکارانهاش را خنثی نمودند.

### ادامه دارد

در همین موقع یکی از  
نمایندگان شورابه درخواست  
کارگران به میان جمع آمده و  
پیرامون مذاکره با هیئت نامبرده  
چنین گفت:  
"من الان از جلسه مذاکره  
می آیم. با اینکه گفتند تا ساعت  
۱۱ فردا نتیجه را اعلام می کنند  
اما من هیچ امیدی به اونان دارم.  
معلومه که این آقایان نمی خوان هیچ  
قدمی در جهت منافع کارگران  
بردارن. هر چه ما می گیم، یا می گن  
غیر قانونیه، یا می گن توفیر ار داد  
نیست. سیاست این آقایان به این  
شکله که ما را همینطور بدون حوا  
نگه داشته و هی امروز فرادکن و بعد  
هم از طریق عمل خود شون بین ما  
تفرقه بیندازن. اونا اگر منظوری  
غیر از این داشتن به خاطر  
خواسته های حزبی شما امروز فریاد  
نمی کردن. برادرا کارگر، شما  
باید هوشیار باشید ..."

کارگری فریاد زد.  
"برادرا، راس میگه، نیروی  
ویژه و نماینده های ارتجاعی با اونا  
همکاری می کنن. ما گفتم باید شورا  
منحل بشه و یک شورای جدید با نظرم  
کارگران به وجود بیاد. ما نمایندگان  
کار فرمای رونمی خواهیم. ما  
می خواهیم نماینده های واقعی  
خودمون انتخاب کنیم."  
کارگران با تحسین حرف او را  
تائید کرده و خواستار انتخابات  
محدود شدند. کارگرد دیگری از میان  
جمع با صدای بلند گفت:  
"دوستان کارگر، در بین ما  
جاسوسهای نیروی ویژه نفوذ  
کرده و می خوان میونمون تفرقه  
بیندازن، باید هوشیار باشیم."  
کارگری با تسخر گفت "میگن  
نیروی ویژه چون اسلامیه، ساواک  
محسوب نمیشه." و همان کارگر ادامه  
داد "هر کس اینجا حرف بزنه به  
بیگانه اخلاکرمی ریزن خونه اش،  
خودشو و خانواده شو با بیت می کنن

نکته جالبی که خود به خوبی  
بیانگر ماهیت رژیم فعلی است  
این است که علی اردلان و دکتر  
مولوی رئیس بانک مرکزی که هر دو  
جزو عوامل رژیم سابق و جزو  
ممنوع الخروج ها بوده اند، اینک  
هر دو دارای پستهای حساسی  
هستند. آنها که می خواستند به  
سهانه شرکت در کنفرانس صندوق  
بین المللی پول به بلگراد  
پرواز کنند، در فرودگاه چون  
اسامی آنها جزو ممنوع الخروجها  
بوده از پرواز شان جلوگیری می شود  
ولی آنها به نخست وزیر متوسل  
می شوند و این بار نخست وزیر  
که فعلاً وظیفه تطهیر خدمتگزاران  
رژیم شاه و سپردن امور به دست  
آنها را دارد، برای آنها اجازه سفر  
می گیرد. (این خبر در یاد  
یکشنبه ۲۲ مهر درج شده است).

### وزرای "انقلابی" کابینه موقت ...

بقیه از صفحه ۱۲

۱۳۳۲ به فعالیت در دستکاههای  
دولتی ادامه داد و همیشه دارای  
پستهای حساسی بود. او که  
حداقل سه مدال و نشان آریامهری  
دریافت داشته از همکاران و مشاوران  
نزدیک امیر عباس هویدا، جمشید  
آموزگار و هوشنگ انصاری بوده  
و تا هنگام سرنگونی رژیم نیز  
همچنان در مقام مشاور عالی آنها  
انجام وظیفه می کرده است. او از  
ملاکین ثروتمند است که از یکسو  
تمام مدیران کل سابق و وابستگان  
به رژیم قبلی را نیز در پستهای  
خود ایفا کرده است و از سوی دیگر  
کارمندان را که به باقی این عوامل  
معلوم الحال اعتراض کرده اند  
تهدید به اخراج کرده است.

دوشنبه ۷ آبان ۵۱) و (اطلاعات  
صفحه ۴ شماره ۱۳۳۸ همان تاریخ)  
علی اکبر معین فر که در آن  
موقع رئیس دفتر تحقیقات و  
استانداردهای فنی سازمان برنامه  
بوده درست روزی نشان تاج  
را از دست شاه دریافت می کند  
که گروهی از مبارزین در زندان  
اوین به خاطر نپذیرفتن "سیرینی  
تولد شاه" و ابراز تنفر از رژیم  
به شکنجه گاه کمیته برده می شوند  
و روزها و هفته ها شکنجه می بینند.  
حالا آقای معین فر "انقلابی"!!  
شده و آن مبارزین "صدانقلابی"  
علی اردلان چهره دیگر  
کابینه به اصطلاح انقلابی فعلی  
وزیر اقتصاد است. پس از کودتای

### پاسداران، زحمتکشانی را که در بیابانهای ...

بقیه از صفحه ۱۲

در روز دوشنبه ۱۶ مهر ماه ساعت ۱۰  
صبح تعدادی پاسدار به قصد بیرون  
کردن مردم آمدند، مردی که قبلاً  
ولگرد بود، فرمانده پاسداران بود که  
تاکنون تعداد زیادی از آلودگیها و  
خانه های حلبی مردم را در شهر حلب  
و شمیران نورا بر سر ساکنین آنها  
خراب کرده است. خلاصه پس از  
توب و تشر و تهدید با پاسداران  
منطقه را ترک کرده و دوباره بعد از ظهر  
باز گشتند ولی اینبار مسلح بوده و  
اسلحه ها را به سمت مردم نشانه رفتند  
و شروع به فحاشی کرده و چند نفر را  
سخت کتک زدند. مردم خشمگین  
حلو آمده و اعتراض کردند پاسداران  
ابتدا چند تیر هوایی شلیک کرده و  
آنگاه به طرف مردم تیراندازی کردند  
در اثر تیراندازی یک نفر سام محمد  
امیری کشته و هشت نفر زخمی  
می شوند، در این موقع فرمانده  
عملیات پاسداران را جمع کرده به  
سرعت از محل فراری کنند.  
بعد از آن مردم که سخت  
خشمگین بودند جلوی مقر سپاه  
پاسداران (تهرانپارس) رفتند و  
خواهان دستگیری عاملان حادثه  
شدند، ولی پاسداران مثل همیشه

قطعات کوچک تقسیم کنند، و برای  
خود سرپناهی بسازند.  
اما از همگان روزهای اول  
ماوران کمیته و پاسداران شروع به  
کار شکنی و اذیت کردند و می گفتند  
زمین مال مردم است، حرام است  
نماز ندارد، ولی مردم جواب دادند  
که این زمینها مال شاه فراری است که  
از خون و عرق ما صاحب این همه کاخ  
وزمین و باغ و بوم شده بود. این تکه  
زمین و خیلی بیشتر از این حق مسلم  
ماست، کمیته ایها می گفتند، چون  
شما در دو مال مردم خور هستید، در  
آن دنیا به جهنم می روید. مردم  
جواب دادند، همین حالاش هم ما  
وضعی که داریم توی جهنم هستیم،  
بیشتر از این ها تحمل نداریم.  
کمیته ایها که چندین بار خانه  
ها را خراب کردند، اهالی را کتک  
زدند، تیراندازی و تهدید کردند،  
جلوی ماشین آجرو تا نکر آب را گرفته  
و چپ کردند، راهها را با بولدو زر  
خراب کردند و ... در تمام این  
مدت مردم بدون آنکه از این تهدیدها  
بترسند، با اتحاد و یکپارچگی با همه  
این کار شکنی ها مبارزه کردند، خانه  
سازی منطقه ادامه پیدا کرد، تا اینکه

کارگران فاسترویلر:  
قانون سرمایه داری حقوق ما را  
قانونی نمی داند.  
غافل از اینکه این قانون دیگر  
برای ما پیشیزی ارزش ندارد!  
امروز دیگر چیزی برای ما  
قانون محسوب می شود که  
بوسیله خود ما  
نوشته شده باشد.

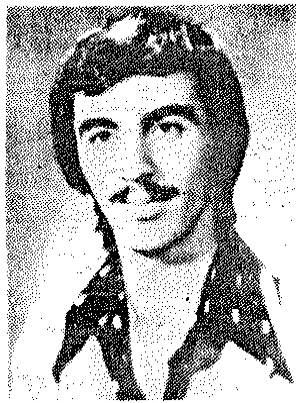
### مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا و وابستگانش

# مادر احسن و شهیر یار ناهید : فرزند انم را به خرم کرد بودن اعدام کردند

آیت الله طالقانی این جنایت را باور نمی کرد و در مقابل ارائه عکس و سند گفت: "وای بر ما، وای بر ما، جواب شمارا چه بدهم؟"

یکی از پاسداران بعد از دیدن صحنه های این جنایت به مردم پیوست و اسرار بیدادگاههای رژیم را فاش کرد.

در صفحه ۹



رفیق شهید شهیر یار ناهید



فدائی شهید احسن ناهید

# چمران، گرگی در لباس میش

چمران که سابقه طولانی در توطئه علیه حلقه های ایران و حتی منطقه دارد پس از آنکه توانست بر مسند قدرت تکیه زند، مزورانه کوشش می نمود تا چهره ضد خلقی خود را در پوشش دفاع از انقلاب و اسلام پنهان دارد. ولی به علت شرایط جامعه و نیازهای اساسی مردم مجبور شد پرده از چهره خود بردارد. اومی خواهد ارتش را به همان صورت بازسازی کند و

بقیه در صفحه ۷

# وزرای "انقلابی"

## کابینه موقت را بشناسیم

وزیر اقتصاد و مودیر کل بانک مرکزی که هر دو جزو عوامل رژیم سابق و جزو ممنوع الخروج ها بوده اند، اینک دارای پست های حساسی هستند.

معین فر رئیس دفتر تحقیقات و اسناد در دایه های فنی سازمان برنامه در رژیم سابق، درست روزی نشان تاج را از دست شاه دریافت می کند که گروهی از مبارزین در زندان اوین به خاطر نپذیرفتن "شیرینی تولد شاه" و ابراز تنفر از رژیم به شکنجه گاه کمیته برده می شوند و روزها هفته ها شکنجه می بینند. حالا آقای معین فر "انقلابی" شده و آن مبارزین "صدانقلابی"

وزیر مشاور و رئیس سابق سازمان برنامه است که به تازگی به وزارت نفت رسیده است. او در رژیم سابق از کارمندان مالبرته سازمان برنامه بوده است. که با عبدالمجید مخیددی رابطه نزدیکی داشت. در چهارم آبان سال ۵۱ سازمان برنامه به خاطر خوش خدمتی به رژیم از "پستگاه شاهنشاهی آریامهر" نشان تاج دریافت کرده است. (کمیته - صفحه ۲ - شماره ۸۷۹۱)

هر روز که می گذرد سوابق ضد مردمی گردانندگان رژیم کنونی روشن تر و مشخص تر می شود. ماهمچنانکه در شماره های پیشین "کار" این عوامل را افشا کردیم، در آینده نیز سوابق آنها را از میان اسناد و مدارک بیرون می کشیم و در معرض قضاوت مردم قرار خواهیم داد. یکی دیگر از این چهره های شناخته شده علی اکبر معین فر

بقیه در صفحه ۱۱

## توضیح :

کمونیست ها عضویت در سازمان تصمیم به انتشار نظرات خود گرفته اند. در این رابطه سازمان لازم می داند توضیح دهد که نویسندگان جزوات گرچه همکاری هائی با سازمان داشته و هنوز هم دارند، اما هیچگاه عضو سازمان نبوده اند.

اخیرا دو جزوه به نام های "مبارزه با انحصار طلبی" و "بحث حول میرمترین مسائل جنبش کارگری توسط یکی از محافل هوادار چپ و انتشار یافته است. در مقدمه این جزوات بخصوص در شماره ۱ آن مطالبی نوشته شده که این توهم را به وجود آورده است

# پاسداران، زحمت کشانی را که در میانانهای تهران یارس خانه می ساختند

## به گلوله بستند و خانه های شان را خواب کردند

اگر خود مردم با پیش بگذارند و زمینهای شاهپورها و شاهدختها را گرفتند و برای خود خانه بسازند، به جای کمک و پشتیبانی از طرف دولت، فحش و کتک و گلوله دریافت می کنند.

تعلق دارد، اوائل که مردم تصور می کردند که چون این زمینها مال دارودسته شاه جنایتکار است و دولت جمهوری اسلامی هم ادعای کند که طرفدار کارگران و مردم فقیر و رنج دیده است، پس اشکالی ندارد که دست به دست هم بدهند و زمینها را به فراری و از جمله شاهپور غلامرضا

نزدیک به پنج ماه است که عده زیادی از مردم بی خانمان و ستم دیده، در اراضی خاک سفید (واقع در قسمت شمالی تهران پارس) به ساختن خانه و سرپناهی برای خانواده خود مشغولند. قسمت بیشتر این زمینها به سرمایه دارهای فراری و از جمله شاهپور غلامرضا

بقیه در صفحه ۱۱

# گرامی باد یاد فدائی شهید حمیل یخچالی

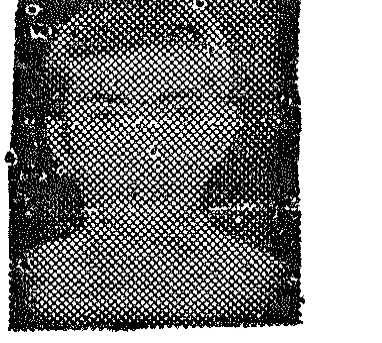
در دوران قیام رفیق در مسجد سلیمان تظاهرات متعددی را رهبری



فدائی شهید حمیل یخچالی

رفیق حمیل یخچالی در سال ۱۳۳۸ در خانواده ای فقیر به دنیا آمد. پدرش شیر فروش بود و او از همان ابتدا با فقر آشنا شد. رفیق تا سال سوم راهنمایی با سختی و کمبودهای مالی به تحصیل ادامه داد. رفیق برای تهیه مخارج تحصیل خود مجبور بود تا بستانها را کار کند. در سال ۱۳۵۲ به خاطر کمبود مالی سندج را به فصد ادامه تحصیل در دبیرستان صنعتی ارتش در مسجد سلیمان ترک گفت و به مدت ۲ سال در آنجا به تحصیل ادامه داد. بقیه در صفحه ۹

# شهادت دیگری از خلق کرد یاد رفیق طهمورت اکبری گرامی باد



رفیق شهید طهمورت اکبری در صفحه ۹

# ۱۳ آبان

## سالروز مبارزات خونین دانش آموزان علیه دیکتاتوری

خود و با ایثار خون خود توطئه های رژیم شاه را درهم شکست. اکنون یکسال از آن تاریخ می گذرد. جامعه خود و با ایثار خون خود توطئه های رژیم شاه را درهم شکست. اکنون یکسال از آن تاریخ می گذرد. جامعه

# برای پشتیبانی از جنبش دانش آموزی

در گردهمایی دانش آموزان پیشگام، که به مناسبت

سالگرد ۱۳ آبان روز دانش آموز در زمین چمن

بلی تکلیک تهران برگزار میشود، شرکت کنید

شروع برنامه ساعت ۴ بعد از ظهر

# دانش آموزان پیشگام

ماتحولات بسیاری را پشت سر نهاده است که مهمترین آن قیام بهمن و سقوط شاه بود. دستاورد قیام توده ها اگرچه به حکومت شاه و رژیم جا برانه آن پایان داد، اما به این علت که طبقه کارگر رهبری قیام را در دست نداشت، به این علت که هنوز طبقه کارگر تحت رهبری پشاهنگ انقلابی خود متشکل نشده بود، نتوانست به آرزوی کارگران و زحمتکشان که

صبح روز ۱۳ آبان سال گذشته چند صد هزار محصل دبیرستانهای تهران به سوی مدارس به حرکت درآمدند. اما به جای رفتن به کلاسها راه خیابانها را در پیش گرفتند و با تظاهرات موضعی که در صدها نقطه تهران بر پا کردند تمام توطئه های رژیم جنایتکار شاه را درهم شکستند. ارتش مزدور که کنترل شهر را در دست داشت در حوالی دانشگاه به ناگهان دست به تیراندازی و کشتار جوانان زد. دهها نفر به خاک و خون غلطیدند، اما جنبش بازم آوج تازه ای گرفت. آن روز شهر یکبارچه مبارزه بود. خشم و کین توده مردم از کشتار دانش آموزان و دانشجویان در صحن دانشگاه از حد گذشته بود، دهها نقطه تهران به آتش کشیده شد. و در پایان روز دیگر کاملاً روشن شده بود که توطئه رژیم با شکست مفتضحانه ای روبرو شده است. ۴۸ ساعت بعد شریف - امامی مزدور استعفا کرد و شاه به عجز و لابه افتاد.

۱۳ آبان تحلی قدرت و قاطعیت انقلابی میلیونها جوان و نوجوان خلق بود که با هشیاری

# سرکوبگران خلق کرد، دشمنان وحدت خلقهای ایران هستند